

جریان شناسی تحولات سوریه:

- ۱- جایگاه سوریه در نبرد تمدنهای غربی و شرقی
- ۲- جریان شناسی ثواب آمریکا در تحولات سوریه
- ۳- نماینده سازمان ملل در سوریه کیست
- ۴- نگاهی به پایان کار ترکیه در سوریه
- ۵- تحلیل ستاریوی غرب در حمله به سوریه
- ۶- رونمایی از تاکتیک آمریکا در قبال سوریه
- ۷- شکست نظریه داوود افلو
- ۸- نگاهی به ابعاد بحران سوریه
- ۹- ارتش آزاد



پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی
www.Didban.ir



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع
رسانی بوده و نقل از آن با ذکر
منبع مجاز می باشد.

الجمهورية
البحرينية

A stylized calligraphic logo in black, featuring a central horizontal stroke with decorative flourishes at both ends. Above the left flourish, the words 'الجمهورية' and 'البحرينية' are written in white Arabic script. A vertical dashed white line extends from the top of the page down to the top of the logo.

جایگاه سوریه در نبرد تمدنهای غربی و شرقی

شد. تئوری‌هایی که در پی توضیح وضعیت آروز دنیا و ترسیم آینده آن، و توضیح نقش ایالات متحده برآمده و دولتمردان ایالات متحده کلان استراتژی‌های خود را بر اساس آنها طرح ریزی نمودند. یکی از این تئوری‌ها، نظریه نبرد تمدن‌ها بود که توسط ساموئل هانتینگتون مطرح شد.

اهمیت تئوری هانتینگتون را در آن مقطع می‌توان در دو مساله دانست: اول اینکه این تئوری به مثابه یک چرخش پارادایمی از ژئوپلیتیک دولت محور به ژئوکالچر تمدن محور بود و دوم اینکه شواهد بسیاری نشان می‌دهد که این تئوری، مبنای رفتار عملی نوکان‌ها و پس از آن دموکراتها در برخورد با دنیای اسلام بوده است. این تئوری که نخستین بار در آرای "برنارد لوئیس"، محقق یهودی تاریخ اسلام، در مقاله‌ای با نام "ریشه‌های طغیان مسلمانان" در سپتامبر سال ۱۹۹۰ در "ماهنامه آتلانتیک" مطرح شد، (Lewis, ۱۹۹۰)، بیش از هر کسی با نام هانتینگتون گره خورده است، چرا که وی این ایده را پردازش کرده و به نام خود ثبت کرد. هانتینگتون این مفهوم را ۵ سال پس از مطرح شدن ایده "پایان تاریخ" "فرانسیس فوکویاما"، و در پاسخ به آن، ابتدا در مقاله‌ای با همین عنوان در تابستان سال ۱۹۹۳ مطرح نموده (Huntington, ۱۹۹۳) و سپس در سال ۱۹۹۶ آنرا

تبدیل به کتابی مفصل کرد. (Huntington, ۱۹۹۶) وی با ارائه این تئوری سعی در ارائه یک کلان استراتژی برای اداره جهان توسط ایالات متحده و همچنین ارائه یک چارچوب نظری و پارادایم نوین، برای فهم جهان نوظهور

آنچه اکنون در خاورمیانه و دنیای اسلام، و بطور خاص در سوریه می‌گذرد، نشانه‌هایی از یک نزاع تمام عیار تمدنی است. نزاعی که هویت‌های فرهنگی را وارد عرصه ژئوپلیتیکی کرده و در حال نبرد بر سر آینده جهان است. سه تمدن شرقی هم اکنون در مقابل تمدن غربی قد علم کرده و مشغول پیکار با آن هستند. تمدن اسلامی به محوریت ایران، تمدن کنفوسیوس به محوریت چین، و تمدن ارتودوکس به رهبری روسیه.

آیا نظم بین الملل در حالت گذار به سرمی‌برد؟ آیا نظم جهانی یکبار دیگر به هم خواهد ریخت و نظمی جدید از ویرانه‌های نظم قدیم به پا خواهد خواست؟ نظم جدید به نفع چه کسی/ چه کسانی خواهد بود و چه قدرت/ قدرت‌هایی در آن شریک خواهند بود؟ آیا نظم جدید نظمی تک قطبی خواهد بود یا دو قطبی یا چند قطبی؟ چه عواملی در شکل‌گیری نظم جدید نقش خواهد داشت؟ مولفه‌های بازیگران فعلی وضعیت گذار چیست؟ نقش هویت‌های فرهنگی در درگیری‌های حاضر چیست؟ نوشته حاضر در پی پاسخ به این سئوالات، توصیف وضعیت فعلی، و ترسیم آینده نظم بین الملل است.

نبرد تمدن‌ها در نظام تک قطبی جهانی؟

هنوز چند صباحی از فروپاشی شوروی و فروریختن نظم دو قطبی بین الملل نگذشته بود که تئوری‌های مختلفی در مورد نظم پسا شوروی در فضای بین الملل مطرح

نقد هانتینگتون به لیبرالیسم قبل از هر چیز به اثر فوکویاما و مشرب هگلی آن بر می گردد، که از آن به عنوان نوعی مارکسیسم نام می برد. (Huntington, ۱۹۹۷)

فوکویاما و برخی از نظریه پردازان لیبرال حقوق بشر معتقدند که حقوق بشر، لیبرال دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد، در فضای نظم پسا شوروی، تبدیل به تنها آلترناتیو ایدئولوژیک گشته و تنها امکان برای ملت ها محسوب می شود. فوکویاما با پیروی از نظریه پردازان مکتب فایده انگاری در اقتصاد، معتقد به غلبه عقلانیت در پیگیری علاقت و موضوعات مادی است که این موضوع، خود منجر به انتخاب عقلانی لیبرال دموکراسی غربی و آزادی دین، آزادی بیان و سرانجام آزادی رسانه ها می شود. (Fukuyama, ۱۹۸۹, pp. ۳-۱۶) اما هانتینگتون در پاسخ به این ادعا، با اتخاذ رویکرد مبتنی بر نسبییت فرهنگی، معتقد است که این موضوعات، موضوعاتی جهانی نیست و در فضای واقعی نیز آنچه فوکویاما مدعی آن است، اتفاق نمی افتد. (Huntington, ۱۹۹۶, pp. ۲۱-۲۲) وی در عوض، نقش هویت های فرهنگی را در صحنه سیاسی و رفتار مردم کشورها پر رنگ می کند و تاکید می کند که این سیاست های هویتی لزوما ریشه در عقلانیت نداشته و از انتخابی عقلانی نشأت نمی گیرند.

و نظم نوین دارد و این کار را با نقد دو پارادایم مشهور در روابط بین الملل، در فضای قبل و بعد از جنگ سرد انجام می دهد، یعنی نقد لیبرالیسم و رئالیسم.



نقد وی از لیبرالیسم، مبتنی بر تئوری های مشهور فرهنگی در انسان شناسی، نظیر نسبییت گرایی فرهنگی است که معتقد به تفاوت و گوناگونی فرهنگها، در مقابل جهانشمولی آنهاست. این تئوری در گفتمان روابط بین الملل، به تئوری سازه انگاری شهرت دارد که در آن، عناصر فرهنگی مولفه های قدرت محسوب می شوند. (Holtz & von Dahleren, ۲۰۱۰, pp. ۱۱۷-۱۴۷)

جریان‌شناسی نواب آمریکا در تحولات سوریه

مصر، بحرین، سوریه از جمله عرصه‌هایی هستند که با توجه به تحولات اخیر این کشورها، برخی دیگر از کشورهای منطقه به عنوان نایبان آمریکا در منطقه حضور داشته و تلاش دارند تا اهداف آمریکا را دنبال نموده و اجرا سازند و سرنوشت تحولات را به نفع آمریکا رقم بزنند. با دقت بیشتر در شرایط و تحولات اخیر سوریه این فرضیه بیشتر تأیید شده و قوت می‌یابد.

در حقیقت سوریه به عرصه‌ای برای نقش آفرینی نایبان آمریکا در منطقه به صورت حساب شده و بر اساس الگویی مبتنی بر تقسیم کار در بین چهار کشور تبدیل شده است. هر چند فشارها، تحریم‌ها و اقدامات ضد سوری از اتاق فکری فرماندهی می‌شود که مکان آن آمریکا است؛ اما بازیگران نقشه‌های این اتاق فکر کشورهای عربستان، قطر، ترکیه و اردن در منطقه هستند که به ترتیب نقش جریان‌های مالی، رسانه‌ای، سیاسی و امنیتی را علیه سوریه ایفا می‌کنند.

۲. نایبان آمریکا در تحولات منطقه

۲.۱. عربستان؛ نقش منبع مالی

یکی از مهمترین نایبان آمریکا در منطقه دولت عربستان سعودی می‌باشد که به صورت علنی در مقابل بیداری اسلامی در کشورهای مختلف منطقه از جمله یمن، بحرین، مصر ایستاده و تلاش داشته تا سیاست‌های خود را در منطقه گسترش دهد. مهمترین نقش این دولت - به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای خاورمیانه که از ره آورد فروش نفت می‌باشد این است که به تأمین کننده

بازیگران نقشه‌های این اتاق فکر کشورهای عربستان، قطر، ترکیه و اردن در منطقه هستند که به ترتیب نقش جریان‌های مالی، رسانه‌ای، سیاسی و امنیتی را علیه سوریه ایفا می‌کنند.

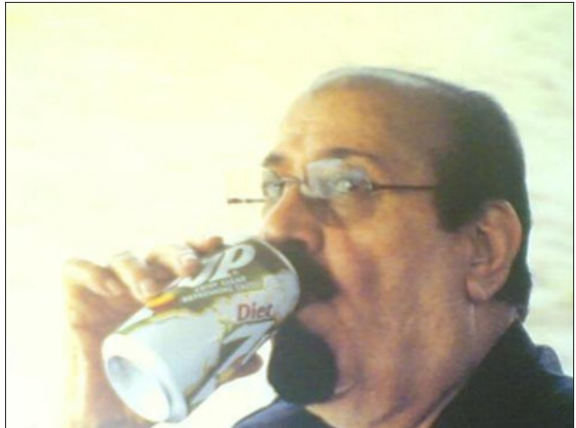
۱. اشاره

غربی‌ها و حکومت‌های وابسته‌ی به غرب در این منطقه، می‌خواهند صورت مسئله را عوض کنند؛ می‌خواهند جوهر دیگری به افکار عمومی القاء کنند؛ اما فایده‌ای ندارد ... این حوادث، یک خلایبی را به وجود آورده؛ یک فرصتی برای برخی از کشورها به وجود آورده که وارد مسائل منطقه شوند، دخالت‌های غرب‌پسند و آمریکاپسند بکنند؛ به نیابت از آمریکا پول خرج کنند، به نیابت از آمریکا حرکت کنند، سفر کنند، اینجا و آنجا بروند...

بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۴. حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره).

مروری دوباره به سخنان مقام معظم رهبری در مراسم گرامیداشت ارتحال بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی نکاتی چند را نشان می‌دهد که امروزه با توجه به تحولات روز منطقه قابل توجه و بررسی است. آمریکا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای رسیدن به اهداف خود در منطقه همواره نیازی به حضور مستقیم و اصلی خود ندارند، بلکه از نایبانی استفاده می‌کنند که به نوعی بازیگران کوچک شده‌ی غرب در منطقه بوده و به عنوان ابزارها و بازوان آنان در منطقه عمل می‌کنند.

هدف شکستن محور مقاومت در منطقه است. بی شک این اقدام عربستان خدمتی بزرگ به صهیونیسم جهانی است. چرا که عربستان تا کنون بسیاری از هم پیمانان خود یعنی حسنی مبارک، زین العابدین بن علی، و حتی علی عبدالله صالح را از دست داده است و به دنبال تشکیل و تحدانی جدید برای خود است.



۲.۲. قطر؛ جریان رسانه ای

قطر هر چند از نظر جغرافیایی کشور کوچک و حاشیه ای در جنوب خلیج فارس است اما این کشور کوچک توانسته با تحرکاتی که از خود نشان داده نقش جدیدی را در تحولات منطقه بازی کند. قبل از فراگیر شدن موج بیداری اسلامی در منطقه؛ قطر تلاش داشت تا به عنوان میانجی در بین گروه های فلسطینی وارد شده و تلاش نماید تا اختلاف بین فتح و حماس به حداقل برسد. اما نقش این کشور در تحولات بحرین و سوریه نشان داد که این کشور در سیاست خارجی خود مستقل نبوده و بیشتر تابع منافع آمریکا در منطقه محسوب می شود. نقش قطر در تحولات سوریه تنها به تأمین منابع ملی و تجهیز مخالفان دولت سوریه محدود نشد، نقش رسانه ای قطر در تحولات منطقه به خصوص در بحرین و سوریه بسیار محل دقت و قابل تحلیل است. مهمترین شبکه ای

منابع مالی در کشورهایی که در آن بیداری اسلامی رخ داده تبدیل شده و این دخالت با هدف مصادره انقلاب ها و تغییر آرمان های انقلاب های منطقه و همگرا نمودن آنها با منافع آمریکا و با منافع خود است. و در برخی از کشورها نیز با هدف فتنه انگیزی به تجهیز و تأمین منابع مالی نیروهای مخالف می پردازد. نمونه ی این فتنه انگیزی ها در ایران و در جریان فتنه ۸۸ و امروزه در سوریه است. همچنین از دیگر علت های دخالت عربستان در تحولات سوریه؛ تغییر حکومت شخص بشار اسد است تا تحولات منطقه را به سود خود رقم بزند. همچنین عربستان سعودی به کمک دلارهای بادآورده و منابع مالی سنگینی که دارد درصدد تزریق این منابع مالی به مخالفان سوری جهت براندازی حکومت بشار اسد است. از طرف دیگر عربستان به دنبال این است که با ایجاد بحران در سوریه افکار عمومی را به سمت این کشور هدایت کرده و افکار عمومی را از تحولات درونی عربستان دور سازد. عربستان به دنبال سقوط حکومت مستقر در سوریه با

بگیرد. هر چند در قضیه ایجاد توطئه علیه محور مقاومت و سرنگونی دولت سوریه، این دو حکومت با هم تقسیم کار کرده اند یعنی از یک سو حکومت آل سعود با پشتیبانی مالی مخالفان سوریه و از سوی دیگر قطر با حمایت شدید رسانه ای و تبلیغاتی شبکه «الجزیره» تلاشی هماهنگ با کشورهای غربی جهت سقوط بشار اسد را آغاز کرده اند. شیخ حمد امیر قطر، برای فشار بیشتر بر سوریه بارها از اتحادیه عرب درخواست تشکیل جلسه داده و حتی با مخالفان حکومت سوریه در خارج از کشور نیز ارتباط برقرار کرده و همچنین طی چند ماه گذشته به همین منظور بین پایتخت های کشورهای عربی در رفت و آمد بوده است. در مورد بحرین نه تنها سکوت اختیار کرده بلکه با تصمیماتی که شورای همکاری خلیج فارس علیه انقلابیون بحرینی اتخاذ کرده و در نهایت منجر به اشغال بحرین توسط نیروهای آل سعود گردیده؛ همراهی داشته است، اگرچه خود قطر از اعزام نیروی نظامی به این کشور خودداری کرده است.

۲،۳. ترکیه؛ بازیگر سیاسی

بررسی نقش ترکیه در تحولات منطقه بسیار پیچیده و نیازمند بررسی چند بعدی و چند جانبه است. همین طور گمانه زنی های تحلیل گران در این رابطه متفاوت و متعدد است اما یک نکته در بین اغلب تحلیل گران مشترک است و آن این است که ترکیه در خصوص سوریه دچار اشتباه محاسباتی شده است و اولین کشوری که نتیجه بی ثباتی در سوریه را لمس می کند ترکیه است.



که در تحولات منطقه توانسته نقش برجسته ای خود را به عنوان بازیگر مهم منطقه حفظ و کند شبکه ای الجزیره است. هر چند الجزیره شبکه ای خصوصی معرفی شده است اما تمام منابع مالی آن توسط دولت قطر تأمین می شود. ارتباط مستمر با گروه های مخالف سوریه، بزرگ نمایی تلاش های غربی - عربی برای فشار بیشتر بر سوریه، دروغ پردازی در مورد تحولات سوریه تلاش های رسانه ای قطر برای رقم زدن تغییرات سوریه به نفع سیاست های آمریکا در منطقه است. در مقابل این شبکه با مسکوت گذاشتن اخبار حوادث و انقلاب مردم مظلوم بحرین و جنایت آل خلیفه و آل سعود تلاش دارد تا با جامعه پذیر کردن بسیاری از تصویرسازی ها برای افکار عمومی منطقه به اهداف خود برسند.

از نقطه نظر رقابت با عربستان سعودی، قطر سعی دارد که به تدریج جای عربستان را در دیپلماسی منطقه ای



می شود،
پس فقط سوریه باقی می
ماند.

ترکیه به دنبال تغییر حکومت
در سوریه است تا بتواند
گروه های همگرا با خود را
در سوریه به قدرت برساند
تا از این طریق حوزه ی
نفوذ خود را گسترش داده
و محدودیت های خود را

کم کند. نکته دیگر اینکه، ترکیه به دنبال این است که به
عنوان قدرتی برتر و متمایز با دیگر کشورها ظهور کند. به
زعم ترکیه تحولات اخیر در کشورهایی عربی این فرصت
را برای ترکیه فراهم ساخته که بتواند به عنوان رأس بلوک
تازه تأسیس شده ظاهر شود.

علاوه بر این همگرایی سیاست خارجی ترکیه و آمریکا
در قبال تحولات سوریه باعث شده تا این کشور به عنوان
فعال سیاسی از جانب جبهه (غربی - ترکی - عربی) ضد
سوری برای تحرکات سیاسی و چانه زنی سیاسی فعال
شود. چراکه ترکیه و مقامات مسئول این کشور دارای
محبوبیت نسبی در منطقه بوده و می توانند از این رهگذر
اثر گذاری بیشتری داشته باشند.

۲،۴، اردن، جریان امنیتی

اردن تنها کشوری است که در جریان تحولات اخیر
منطقه از نگاه بیشتر تحلیل گران مغفول واقع شده است. در

یک از دلایل تحرک مداخله جویانه ترکیه در تحولات
سوریه این است ترکیه در یک فضای جغرافیای بسته قرار
داد. چراکه از نظر شمالی ترکیه با کشورها و همسایگان
اروپایی خود هیچ قرابت فرهنگی و مذهبی و اقتصادی
ندارد و تلاش های ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا با
شکست مواجه شده است. از طرف غرب نیز این کشور با
قبرس و یونان بر سر مسائل مرزی و حوادث تاریخی دارای
اختلافات جدی هستند. از جانب شرق و حوزه ی قفقاز
نیز کشورهای چوچون ارمنستان با ترکیه بر سر نسل کشی
ارمنی ها توسط دولت عثمانی دارای اختلافات تاریخی
عمیق هستند و و آذربایجان نیز داری مرز مشترک کمی
با ترکیه بوده و چندان در تحولات منطقه اثرگذار نیست.
عراق به عنوان همسایه ی جنوبی ترکیه نیز بر سر مسئله
ی کردها، حکومت شیعی عراق و دادن اقامت ترکیه به
طارق الهاشمی به سردی گراییده است. ایران نیز نمی تواند
حوزه ی نفوذ داشته باشد چراکه خود ایران به عنوان یک
قدرت منطقه ای در معادلات منطقه ای و جهانی محسوب



مشترک زمینی باهم دارند و از این طریق اردن می تواند به عنوان پایگاهی برای هدایت، کنترل و اجرای برنامه های مختلف علیه دولت بشار اسد در بین همسایگان کشور سوریه باشد.

در جریان تحولات سوریه و مواضع غربی - عربی علیه این کشور؛ اردن با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس همکاری داشته و با این کشورهای مواضع مشترک

حقیقت اردن تنها کشوری در منطقه است که هم با رژیم صهیونیستی و هم با آمریکا و هم با جریان های تندرو سلفی در منطقه رابطه ی نزدیکی دارد. این ارتباط باعث شده تا این کشور به عنوان مهره ای تأثیرگذار در بسیاری از تحولات بر شمرده شود.

مهمترین نقش اردن در تحولات سوریه به عنوان جریان امنیتی قابل توجه است. اردن و سوریه ۳۷۵ کیلومتر مرز

بلکه به عنوان متحد استراتژیک اسرائیل در کنار ترکیه می تواند باقی بماند.

اردن دارای دستگاه اطلاعاتی و امنیتی قوی می باشد و قدرت فعال و بالایی برای فعالیت در اوضاع منطقه را با خود دارد. کما اینکه در تحولات اخیر منطقه این نقش به خوبی خود را نشان داده است. بنا بر تقسیم کاری که بین نائبان آمریکا در منطقه صورت گرفته؛ اردن نقش امنیتی و سرویس های اطلاعاتی را علیه سوریه بر عهده گرفته است.

۳. اهداف نائبان

۳,۱. شکست خط مقاومت و فشار بیشتر بر محورهای مقاومت در منطقه.

۳,۲. تجزیه سوریه و تبدیل کردن آن به حوزه های نفوذ برای کشورهای منطقه.

۳,۳. به دست گرفتن تحولات بعد از تغییرات در سرزمین های عربی.

۳,۴. جلوگیری از نفوذ ایران و اتخاذ الگوی ایرانی در کشورهای انقلابی.

۳,۵. بالابردن جایگاه و مطرح نمودن خود به عنوان قدرت منطقه ای از رهگذر تحولات منطقه.

۳,۶. ایران هراسی و شیعه هراسی.

داشته است. هر چند از نظر جغرافیایی سیاسی، اقتصاد و بسیاری از ابعاد حیاتی اردن دارای ارتباط مستقیم و اثرپذیر از تحولات دمشق می باشد؛ ولی اردن تا حال نقشی ضد سوری اتخاذ کرده است. اردن علاوه بر همپیمانی با شورای همکاری خلیج فارس با ناتو و آمریکا نیز متحد بوده و قراردادهای سیاسی و امنیتی متعدد و مختلف با رژیم صهیونیستی مانند قرارداد (وادی عربی) بسته است. از این رو این کشور تبدیل به یکی از پایگاه های ضد سوری در همسایگی روسیه تبدیل شده است. همین خاطر ریزنی مقامات سیاسی - امنیتی اردن با آمریکا، انگلیس، ترکیه و شورای همکاری خلیج فارس در ماه های اخیر افزایش یافته است. مهمتر آنکه شهر مهم المفرق در ده کیلومتری مرزهای اردن و سوریه قرار دارد و پایگاه نظامی مستقر در این شهر همواره یکی از مهمترین اتاق های فرماندهی و کنترل جنگ های نا منظم علیه سوریه بوده است. همچنین ریزنی دستگاه امنیتی - اطلاعاتی اردن با افسران سازمان اطلاعات ترکیه در ماه های اخیر افزایش داشته است.

نظام مستقر در اردن بر پایه ی قدرت نظامی است و شاه اردن نیز تلاش دارد تا با این اولویت در منطقه برجسته شود اما؛ اردن به عنوان حلقه ی امنیتی محور غربی - عربی برای فشار به سوریه نقش متفاوتی را بازی می کند. این کشور یکی از پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه بوده و ارتش آن مستقیماً از طرف آمریکایی ها هدایت می شود و همچنین رژیم صهیونیستی همواره از جانب این کشور مطمئن بوده که در جبهه و محور مقاومت قرار نمی گیرد

اخضر ابراهیمی؛ چهره همیشگی بحران‌های خاورمیانه

نماینده سازمان ملل در سوریه کیست؟

مردی در مرز هشتاد سالگی و مأموریتی مهم. وی بعد از استعفای کوفی عنان نمایندگی بحران سوریه را از طرف سازمان ملل متحد پذیرفت. این سیاستمدار الجزایری الاصل سوابق زیادی در حوزه ی سیاست خارجی و روابط بین الملل دارد. اما این بار به عقیده خودش مأموریتی غیر ممکن را پذیرفته است. توصیف غیر ممکن از سوی او به نحوی نشان دهنده پایان کار دیپلماتیک سوریه نیز هست و به این صورت او خود را تنها راه ممکن برای حل سیاسی این بحران خطاب کرده است. امری که از هم اکنون برخورد جانبدارانه سازمان ملل را با بحران سوریه هشدار می دهد. در پذیرفتن مسئولیت نمایندگی سازمان ملل متحد در بحران سوریه از سوی اخضر ابراهیمی چند سؤال مهم و جدی وجود دارد.

حل بحران سوریه به صورت دیپلماتیک ورود سازمان های معتبر بین المللی همچون سازمان ملل را می طلبد. این سازمان با معرفی اخضر ابراهیمی دور جدیدی از گفت و گوها را سامان بخشیده است. این مطلب سعی دارد تا نماینده جدید سازمان ملل را معرفی و ارزیابی کند.

۱. اشاره

دیدبان: برای تأثیرگذاری در مناسبات بین المللی دولت ها و سازمان های بین المللی تنها دو ضلع این مثلث سه ضلعی هستند. اما ضلع دیگر آن به شخصیت هایی بر می گردد که به عنوان تصمیم گیران اصلی عرصه ی سیاست خارجی و روابط بین الملل ظاهر شده و تلاش دارند تا معضلات و بحران ها را از دریچه ی ذهن خود حل کنند.

البته باید ذکاوت، توان تحلیل

و هنر دیپلماسی را نیز دارا باشند.

اخضر ابراهیمی، بازنشسته سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ است که عمری را در وادی سیاست و دیپلماسی گذرانده و زندگی پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. از این رو اگر او خود بخواهد سیاست را کنار بگذارد سیاست او را رها نمی کند.



به سودای ریاست جمهوری مصر، از گزینه های جدی برای تصدی منصب دبیر کلی اتحادیه عرب بود. از طرف دیگر برادر ناتنی پادشاه اردن امیرعلی داماد وی محسوب می شود.

دختر وی ریم الابراهیمی خبرنگار شبکه سی ان ان آمریکا در جریان جنگ آمریکا و عراق بود. این وصلت باعث شد تا روابط گرمی بین اخضر الابراهیمی و خاندان حاکم در اردن برقرار شود.

از این رو مهمترین امتیاز اخضر ابراهیمی بر کوفی عنان توافق گسترده ی محور عربی - غربی بر روی اوست که ظرفیت دیپلماسی او را بالا برده و دو چندان می کند. او مهره ای مورد توافق برای بیشتر کشورهای عربی و غربی است. عاملی که کوفی عنان به صورت نیم بند و لزارن از

چرا او برای این مأموریت در نظر گرفته شد؟ چرا طرف های غربی و عربی از این انتخاب استقبال کردند؟

چرا وی که علل شکست طرح کوفی عنان در حل بحران سوریه را می دانست، حاضر شد راه رفته را دوباره برود؟ جواب این سؤالات را باید در شخصیت ابراهیمی و مأموریت هایی که او تا حال پذیرفته جستجو کرد!

۲. مهره ای مورد توافق

سیاستمدار کهنه کار ۷۸ ساله الجزایری مقیم فرانسه است. وی بیشتر از آن که در الجزایر باشد در غرب به سر برده و بیشتر از آنکه برای الجزایر کاری کند، شخصیتی بین المللی است. به زبان های عربی، انگلیسی و فرانسوی مسلط است و تحصیلات آکادمیک او در رشته های

حقوق و علوم سیاسی بوده است. جالب آنکه الجزایر در موضوع سوریه موضعی متفاوت با اکثر کشورهای عربی دارد و در زمره ی حامیان بشار اسد تلقی می شود، از این رو شاید بتوان گفت ابراهیمی چندان همسویی با سران زادگاهش ندارد.

وی روابط خوبی با کشورهای غربی نظیر انگلستان، فرانسه و از جمله آمریکا دارد. در نزد اعراب نیز به دلیل پذیرفتن مأموریت های متعدد در حوزه کشورهای اسلامی و عربی به عنوان مهره ای قابل اعتماد و اطمینان تلقی می شود. او سال ها به عنوان معاون دبیر کل اتحادیه عرب در این سازمان عربی فعالیت داشت و بعد از استعفای عمرو موسی از دبیر کلی اتحادیه عرب



خود را برای پذیرفتن مسئولیت های بین المللی آماده کرد. ابراهیمی در مهمترین مناقشات و بحران های سه دهه ی اخیر جهان اسلام یعنی بحران افغانستان، جنگ عراق، بحران داخلی لبنان، مسأله ی سودان و هائیتی نقش نماینده سازمان ملل متحد را بازی کرد. نکته جالب توجه اینکه او پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق از سوی سازمان ملل به این دو کشور اعزام شد تا شرایط را آرام کرده و به طور غیر مستقیم به آمریکا یاری رساند.

اما سابقه این سیاستمدار الجزایری نشان می دهد که ساختار تحلیلی ذهن او قومیتی است. یعنی او حل مناقشات و بحران هادر کشورهای عربی و اسلامی را با راهکارهای قومیتی پاسخ می دهد و درصدد حل آن بر می آید. نظیر نسخه ای که برای عراق پیچید و طرحی که برای تجزیه ی سودان داد. او در عراق طراح اصلی طرح نظام قومیتی بود و طرح امریکا را اجرایی ساخت. نظامی که باعث شد هنوز عراق رنگ آرامش و امنیت را نبیند. طرح او در سودان نیز باعث تجزیه سودان شد. الابراهیمی مدافع جدی فراندوم در سودان بود.

۳. میدان آزمون دیگر

اخضر ابراهیمی برای پذیرفتن مسئولیت نمایندگی سازمان ملل متحد در بحران سوریه ابتدا با کوفی عنان مشورت کرد. او خود بیان داشت که کوفی عنان به صراحت گفت هیچ دیوانه ای حاضر نیست این مسئولیت را بپذیرد اما الابراهیمی در جواب او گفت چرا دیوانه هایی مثل من زیاد پیدا می شوند!



آن بهره داشت.

ابراهیمی یکی از فعالین انقلاب استقلال الجزایر بود و بعد از استقلال این کشور مسئولیت های مختلفی پذیرفت. مناصبی چون: نمایندگی الجزایر در اتحادیه ی عرب، سفیر این کشور در بریتانیا، سفیر این کشور در مصر و سودان، مشاور دیپلماتیک رئیس جمهور الجزایر و همچنین وزارت امور خارجه ی الجزایر از او سیاستمداری کهنه کار ساخت.

او بعد از واگذاری منصب وزارت امور خارجه ی الجزایر،





برای حل بحران سوریه از مصر و همچنین از دیدار با حمد بن جاسم نخست وزیر قطر آغاز کرد و سپس راهی سوریه شد. قطر سرسخت

ترین دشمن اسد است و حاکمان این کشور بارها از اسد خواسته بودند تا قدرت را واگذار کند. هر چند ابراهیمی حاضر نشد تا جزئیات طرح خود را قبل از شنیدن سخنان بشار اسد، در اختیار طرف های غربی و عربی از جمله نخست وزیر قطر قرار دهد اما جالب آنکه وی نیز قبل از دیدار با اسد با گروه های مخالف اسد در سوریه دیدار کرد و اذعان داشت که بحران در سوریه رو به گسترش است.

از این رو باید منتظر بود و دید که در روزهای آینده چه رخ خواهد داد. ابراهیمی فعلا در حال گوش دادن است اما قبل از اتمام این تحلیل باید سخن سردبیر روزنامه القدس العربی را دوباره برای ابراهیمی خواند: الاخضر الابراهیمی هنگامی که به عنوان نماینده سازمان ملل در عراق مأمور شد، در یک برنامه جنایتکارانه شرکت یافت تا اوضاع این کشور و آینده آن را زیر سایه آمریکا و با هماهنگی ژنرال «برمر» ساماندهی کند؛ وی در آن هنگام دست به اشتباهات بزرگی در عراق زد. عطاوان با اشاره به عذرخواهی ابراهیمی در سال ۲۰۰۹ به دلیل اشتباهات خود در عراق، گفت: به همین دلیل نمی خواهیم وی وارد مأموریتی شود که برای خود او و کل امت بسیار خطرناکتر است؛ زیرا با نزدیک شدن او به ۸۰ سالگی فرصتی برای عذرخواهی دوباره وجود ندارد!

وی در نطق خود پیش از سفر به مصر و سوریه گفت: «هنوز زود است از کناره گیری اسد سخن بگوییم.» او با این سخن همه را دور خود جمع کرد. هم به مخالفان فهمانند که اسد باید برود اما اندکی دیرتر و هم موافقان سوریه را راضی داشت که اسد فعلا ماندگار است و او طرحی برای برکناری او ندارد.

طرف های غربی و عربی با مطرح کردن الاخضر الابراهیمی به عنوان نماینده ی سازمان ملل متحد در بحران سوریه او را وارد بازی خطرناکی کرده اند. مشخص است که غرب و برخی از کشورهای عربی مایل به ماندن اسد نیستند و خواستار سقوط این کشور هستند اما نمی توانند یکباره از روش های خشونت آمیز نظیر جنگ به صورت عریان استفاده کنند. از این رو طرف های غربی و عربی با مطرح ساختن کوفی عنان در ابتدا و به شکست کشاندن طرح او و در مرحله بعد با مطرح کردن یکی از خیره ترین سیاستمداران عربی - الاخضر الابراهیمی - در ظاهر تلاش می کنند بحران سوریه را به صورت مسالمت آمیز حل کنند. این تاکتیک افکار عمومی را مجاب ساخته و اقتاع می کند که وقتی راه های مسالمت آمیز جواب نداد راهی جز ورود نظامی نیست. چرا که اگر راهی برای حل مسالمت آمیز بحران سوریه بود ابراهیمی به سوی آن می رفت.

نکته قابل توجه آنکه اخضر ابراهیمی مأمویت خود را

اردوغان، اغلوبازندگان اتحادیه ارسال تروریست به سوریه

نگاهی به پایان کار ترکیه در سوریه

می‌توان آن را اتحادیه ارسال تروریست به سوریه نامید. در این اتحادیه هر یک از اعضا نقش خاص خود را ایفا می‌کرد.

عربستان و قطر در نقش فراهم کننده منابع مالی و نیروی تروریستی مورد نیاز برای ارسال به سوریه عمل می‌کردند. به این ترتیب پشتیبانی مالی و نیروی انسانی لازم برای ایفای نقش معارضة سوری را عربستان و قطر بر عهده داشتند.

ایالات متحده آمریکا و دیگر همپیمانان غربی رژیم صهیونیستی توان رسانه‌ای و دیپلماتیک خود را به همراه تسلیحات لازم برای این کار را در اختیار معارضة ساختگی دولت سوریه قرار دادند. البته این تسلیحات در ازای پول‌هایی ارائه می‌شد که قطر و عربستان هزینه آن را

زوج سیاسی اردوغان - اغلو در ماجرای سیاسی - نظامی سوریه چنان یک جانبه و بدون تدبیر عمل کردند که اکنون در بن بستی جدی گرفتار آمده‌اند. بن بستی که حتی ایالات متحده آمریکا نیز حاضر به کمک به ترکیه برای خروج از آن نیست. متن زیر ضمن توجه به سیاست‌ها و هزینه‌هایی که ترکیه در سوریه پرداخت به مشکلی که این کشور در سوریه با آن مواجهه است می‌پردازد.

در طول دو سال گذشته و به دنبال افزایش تنش‌ها در سوریه و حرکت این کشور به سوی یک جنگ داخلی تمام‌عیار برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان، قطر و ترکیه با رژیم صهیونیستی و آمریکا در حمایت از معارضین دولت سوریه هم‌پیمان شدند. این هم‌پیمانی نه فقط یک امر دیپلماتیک بلکه یک پیمان نانوخته نظامی - امنیتی نیز بود که در آن هر یک از این کشورها نقشی را بر عهده گرفته بودند.

تقسیم نقش‌ها در ایجاد یک معارضة ساختگی

نگاهی به دو سال خون‌ریزی و درگیری در سوریه نشان می‌دهد که در واقع اتحادیه‌ای منسجم از کشورها شکل گرفته بود که



وارد شدن به درگیری فیزیکی و تنش در مرزهای خود عملا و آشکارا به تخاصم با سوریه زده بود.

ترکیه در دشمنی با سوریه چه کرد؟

بحران سوری و شدت و ضعف پیدا کردن آن، خصوصا هنگامی که حالت جنگ داخلی تمام عیار به خود گرفته بود باعث شد که همه کارهای تعجب آور و خلاف درایتی که ترکیه علیه سوریه انجام داد به میزانی که باید مورد توجه عرصه بین المللی و رسانه‌ها قرار نگیرد.

حمایت دیپلماتیک از معارضین

حملات شدیدة اللحن دیپلماتیک به دولت سوریه

قطع روابط دیپلماتیک با سوریه

وضع تحریم اقتصادی علیه سوریه

اعلام قصد قطعی دولت ترکیه برای براندازی حکومت سوریه

اعلام مقاصد سیاسی در احیاء امپراطوری عثمانی

ایجاد پایگاه نظامی داخل خاک ترکیه برای معارضین غیر سوری

تشویق مردم سوریه به مهاجرت به ترکیه و ایجاد کمپ مرزی

واگذاری مناطقی از سرزمین داخلی ترکیه به جریان‌های سلفی و تروریست‌های بین المللی جهت ایجاد کمپ و عرصه فعالیت

ارسال نیروی نظامی و تسلیحات از داخل خاک ترکیه به سوریه

ترکیه کار مقابله با سوریه را به جایی رساند که حتی با

می‌پرداختند و گاهی برخی دیگر از کشورهای متخاصم با سوریه تظاهر به پرداخت هزینه‌های آن می‌کردند.

در این میان ترکیه نقشی را ایفا کرد که از همه چشمگیرتر و مهمتر به نظر می‌رسید. ترکیه و اردن دو همسایه سوریه بودند که کاندیدای بر عهده گرفتن نقش فرماندهی منطقه‌ای معارضین را داشتند. اردن به دلایلی که در جای خود قابل بحث است از این کار شانه خالی کرد و حاضر نشد که خود را وارد چنین خصومت آشکاری با همسایه‌ای نماید که علاوه بر مرزهای طولانی، مسائل مشترک قومیتی فراوانی آنها را به یکدیگر گره زده است. اما حکومت ترکیه چنین درایتی را به خرج نداد و با تمام توان وارد درگیری تمام‌عیار با دولت سوریه شد. ترکیه کوشید تا با کمک این هم‌پیمانان نقش رهبری منطقه‌ای سرنگونی دولت سوریه را بر عهده بگیرد و در این کار تلاش کرد تا یک معارضه به ظاهر سوری و در واقع متشکل از تروریست‌های بین المللی را با گروه‌هایی سوری ادغام نماید و یک ارتش مجهز برای سرنگونی حکومت سوریه ایجاد کند. نقش ترکیه در این میان تفاوتی آشکار با نقش دیگر کشورهای این اتحادیه داشت. دیگر کشورها نقشی نیمه آشکار و نیمه پنهان را بر عهده گرفته بودند که تلاش می‌کردند بخش‌های آشکار آن را در پرده حمایت از حقوق بشر و آزادی و حق رای و ... بپوشانند. هرچند چنین کاری در واقع نشدنی بود و هیچ کس نمی‌پذیرفت که حکومت عربستان یا قطر برای آزادی‌های سیاسی مردم سوریه نگرانی دارند اما بالاخره این نقش تفاوتی اساسی با نقش دولت ترکیه داشت که با

فشار دولت این کشور مجلس اجازه آغاز جنگ با کشور هم‌جوار یعنی سوریه را به ترکیه داد.

آنچه ذکر شد تنها فهرست بخشی از فعالیت‌های غیرقانونی و اقدامات خلاف تدبیر دولت ترکیه علیه همسایه خود یعنی دولت سوریه است. تفصیل این فهرست می‌تواند صفحات فراوانی را سپاه کند. بر این اساس دولت ترکیه از هیچ کاری فروگذار نکرد. همه تلاش خود را به کار گرفت تا حکومت سوریه سرنگون شود و معارضة ساختگی در سوریه بر سر کار آید.

هزینه‌هایی که ترکیه پرداخت

شکست سیاست صفر کردن تنش‌های مرزی ایجاد خصومت آشکار در میان دو کشور هم‌جوار

شدت یافتن درگیری‌های ترکیه با کردهای داخلی از دست دادن بازار سوریه

وخیم شدن روابط ترکیه با عراق ضربه به توریسم ترکیه

تضعیف روابط ترکیه با ایران

تضعیف روابط ترکیه با روسیه

بی اعتبار شدن مسوولان سیاست خارجی ترکیه به خصوص شخص اردوغان و اعلو

و با همه این هزینه‌ها، شکست در تغییر حکومت سوریه

بن بست‌ی که ترکیه در آن گرفتار شده است

بن بست‌ی که ترکیه به آن گرفتار آمده است به حدی جدی است که وقتی آمریکا و اتحادیه اروپا پشت معارضین مسلح را خالی می‌کنند و از مذاکره با دولت سوریه

حمایت می‌کنند و عربستان و قطر نیز

راه حل سیاسی برای مشکل سوریه

را راه حلی قابل توجه می‌نامند دولت

ترکیه مجبور است بر همان طبل

جنگ طلبی خود بکوبد، چرا که

اگر دیگران با فهمیدن شکست راه

حل نظامی برای سرنگونی حکومت

سوریه جای خود را در میدان عوض

کرده‌اند، ترکیه چنان لجاجت آمیز

و غیر مدبرانه وارد دعوا شده بود

که اکنون توان عوض کردن موضع

نیز ندارد. به عبارت بهتر اتحادیه بین





هستند و از این که شبکه بین‌المللی صادرات تروریست به مرکزیت ایالات متحده حکومت آنها را عوض کند خشنود نخواهند شد. تغییر مواضع اعضای اتحادیه ارسال تروریست به سوریه فقط یک علت دارد و آن شکست برنامه نظامی است. تروریست‌های ارسال شده در انجام ماموریت خود ناموفق بودند و اکنون سایر اعضای این اتحادیه تلاش می‌کنند تا با تبریته خود کاری کنند که تنها کشوری که در نهایت ننگ این سیاست خونین را به دوش بکشد ترکیه باشد و دولت ترکیه به واسطه حماقت سیاسی اردوغان - اغلو و جاه‌طلبی خاصی که این دو نفر در ماجرای سوریه نشان دادند در بن بست گرفتار آمده است که نمی‌تواند خود را از آن خلاص کند. از این رو هر چند گذر سوریه از اصلی‌ترین مراحل بحران داخلی و تثبیت حکومت آن را باید شکستی برای همه کشورهای مذکور دانست اما اردوغان و اغلو را باید بازندگان اصلی اتحادیه ارسال تروریست به سوریه دانست. آیا این شکست و افتضاح سیاسی موقعیت داخلی اردوغان و اغلو را سست نمی‌کند؟ این سوالی است که به نظر می‌رسد این روزها از دغدغه‌های اصلی این زوج سیاسی است.

المللی ارسال تروریست به سوریه که متشکل از آمریکا، اسرائیل، برخی کشورهای اروپایی (خصوصاً انگلیس و فرانسه)، قطر، عربستان و ترکیه بود اکنون با شکست مواجه شده است و همه اعضا به نوعی در حال تغییر موضع و فرار از موضع‌گیری‌های اشتباه سابق خود هستند. اما در این میان ترکیه که با شدت و حدتی بیش از همه در این اتحادیه نقش رهبر منطقه‌ای را برای خود کسب کرده بود اکنون احساس نارو خوردن می‌کند. زوج سیاسی اردوغان - اغلو در ماجرای سیاسی - نظامی سوریه چنان یک جانبه و بدون تدبیر عمل کردند که اکنون در بن بست جدی گرفتار آمده‌اند. بن بست که حتی ایالات متحده آمریکا نیز حاضر به کمک به ترکیه برای خروج از آن نیست. اعضای اتحادیه ارسال تروریست به سوریه اکنون همه ترکیه را تنها گذاشته‌اند و هر کدام با ادبیات از مذاکره و راه حل دیپلماتیک و روش‌های سیاسی سخن می‌گویند.

البته پر واضح است که این سخنان نه از این جهت است که این کشورها صلح طلب هستند یا به دلسوزی برای مردم سوریه روی آورده‌اند و یا این که متوجه شده‌اند که مردم سوریه خواهان اصلاحاتی درونی در حکومت خود

حمله احتمالی به سوریه، سناریوی سه مرحله ای

تحلیل سناریوی غرب در حمله به سوریه

سناریوی سه مرحله ای غرب

این سناریو را می توان دارای سه مرحله دانست : مرحله اول: مرحله بیان تهدید به شروع جنگ مرحله دوم: مرحله تشدید تهدید جنگ و ایجاد هراس عمومی مرحله سوم: شروع جنگ این مراحل به گونه ای از یکدیگر جدا شده و طراحی شده اند که با عدم وقوع مرحله بعدی مرحله قبل همچنان موفق بوده و می تواند به اهداف تعیین شده خاص خود برسد.

مرحله اول

بار گران این مرحله بر دوش رسانه های غربی است. این رسانه ها که وظیفه خود را از آغاز نشر خبر استفاده از سلاح های شیمیایی آغاز نمودند، در این مرحله وظیفه انتشار گسترده خبر احتمال حمله را بر عهده داشتند به گونه ای که یکی از مهم ترین اخبار اصلی رسانه های جهان خبر احتمال آغاز جنگی جدید در منطقه باشد. در

این مرحله ضمن آماده سازی فضای بین الملل برای حمله به سوریه و آغاز جنگ جدید هدف دیگری نیز دنبال می شود و آن این است که اگر آمریکا بتواند با پشتوانه این فضا سازی زمینه را برای حمله مساعد ببیند با در نظر گرفتن عواقب دیگر جنگ به این کشور حمله خواهد کرد اما اگر به دلایل متعددی از جمله عکس العمل های منفی بین المللی و داخلی آمریکا عملاً امکان وقوع جنگ سلب شد آمریکا توانسته است با منحرف کردن کانون

چند روزی است رسانه های غربی احتمال حمله قریب الوقوع آمریکا به سوریه را مطرح می نمایند. آمریکا در این چند روزه سناریوی سه مرحله ای را به دنبال می کند که هر کدام هدفی را دنبال می کند، متن زیر به بررسی سناریوی آمریکا در این ماجرای می پردازد.

چند روزی است به دنبال جنگ رسانه ای غرب بر سر استفاده از سلاح های شیمیایی در حومه دمشق؛ غرب زمزمه حمله به دمشق را مطرح کرده است و این زمزمه ها از دیروز قوت جدی گرفته است. آمریکا در یک سناریوی که به نظر می رسد مرحله دارد به دنبال تحقق اهداف شوم خود در منطقه است. در این مطلب به تحلیل سناریوی غرب در خصوص حمله به سوریه و بررسی اهداف آمریکا می پردازیم:



تنفسی برای معارضین فراهم نشد شاید علت اصلی این اتفاق را بتوان وجود جیش الشعبیه دانست که این نیروهای مردمی می‌تواند خلا توجه ارتش را کم نماید.

مرحله دوم

در این گام، سیاست مداران غربی به صورت علنی تهدید خود را برای آغاز جنگ اعلام نمودند. این مرحله زمان مناسبی است تا نوع واکنش جبهه مخالف غرب برای آمریکا مشخص شود. آنچه که مسلم است آن است که همگان جهت گیری موضع جمهوری اسلامی ایران را در خصوص حمله به سوریه می‌دانستند اما دو امر برای آمریکا و متحدانش باید روشن تر می‌شد که نیاز به زمان بیشتری برای آن داشتند. نخست آنکه روسیه چه واکنشی را نشان خواهد داد و با افزایش فشار غرب آیا موضعش معتدل تر می‌شود یا خیر؟ و دوم آنکه واکنش عملی ایران چگونه خواهد بود؟ آیا ایران حاضر به حضور فیزیکی در خاک سوریه برای تقابل مستقیم با آمریکا هست؟ یا آنکه ترجیح می‌دهد به حمایت های تسلیحاتی و لژستیک پیروزان؟ همچنین آیا ایران مواضع دیگر آمریکا در منطقه را تهدید خواهد نمود یا خیر؟

برای درک آنچه در فوق آمد آمریکا نیاز به آن دارد تا ضمن تشدید تهدید به حمله این را القا نماید که حمله قطعی و قریب الوقوع است تا طرف مقابل نیز مجبور به واکنش دهی و بروز

توجهات از پیشروی های ارتش سوریه عملا فضای تنفسی برای مخالفین بشار باز می‌نماید. توضیح آنکه هنگامی که کانون توجهات رسانه ها از درگیری های داخلی به خارجی توجه یابد توجهات مسئولین سیاسی، دغدغه ها و مواضع آن ها نیز معطوف به تهدید خارجی می‌شود از همین رو نیمی از توان دولت سوریه در مقابل معارضین کم شده و به جای توجه به قلع و قمع کردن معارضین داخلی به دفع خطر بزرگ تر که حمله خارجی است معطوف می‌شوند.

با این وصف جبهه غرب چه از این مرحله به مرحله دیگر می‌رفت چه خیر به هدف خود رسیده بود. اما آنچه شرینی را از غرب در این مرحله کم نمود آن بود که عملا تحولات میدانی سوریه تحت تاثیر قرار نگرفت و بر خلاف آنچه دشمن در این مرحله دنبال می‌کرد فرصت





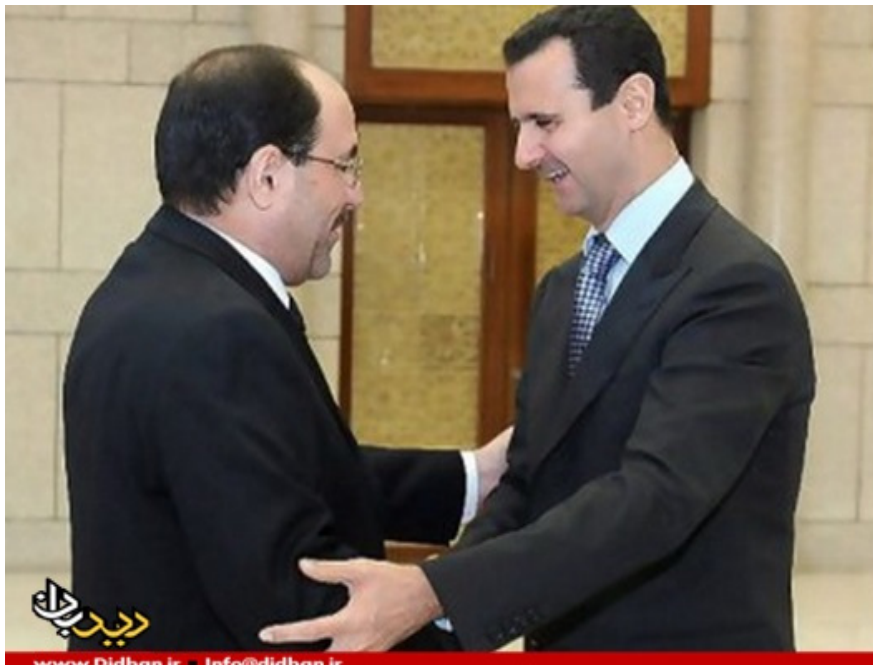
www.Didban.ir Info@didban.ir

آمریکا البته تصور می نماید در صورت حمله به سوریه می تواند این کشور را اشغال نموده و بعد از آن هر گروهی بر سر کار بیاید برای ایالات متحده تفاوتی نمی کند تنها نکته مورد توجه آمریکا آن است که حکومت بعد از بشار بیا رژیم صهیونیستی مشکلی نداشته باشد. ایالات متحده قطعا از حمله به سوریه به دنبال تضعیف مقاومت در منطقه است از همین رو در صورت موفقیت نظامی در سوریه نیز کار خود را متوقف ننموده و به دنبال اجرای سناریوی مشابه علیه حزب الله لبنان و دولت نوری مالکی در عراق خواهند بود. البته نمی توان نادیده گرفت که ایالات متحده در نهایت جمهوری اسلامی را هدف خود قرار داده است. در صورت حمله جبهه غربی - عربی به سوریه اگر این جبهه بتواند این کشور را اشغال نماید نمی تواند در سوریه یک دولت مورد رضایت خود را حاکم نماید چرا که حدود ۱۰۰ هزار نفر از مردم در سوریه (با عنوان جیش الشعبیه) به حمایت از بشار سلاح دست گرفته اند و قطعا

ابزارهای پیشگیری خود برای نشان دادن بالابودن هزینه حمله شود. اما رفتار معقول و با حوصله جمهوری اسلامی تاکنون مانع از تحقق این هدف آمریکا شده است. مقامات دیپلماتیک کشورمان تنها به بیان اینکه این حمله منطقه را دچار مشکل می کند و یا موضعی از قبیل اینکه راه حل مشکل سوریه باید دموکراتیک باشد و نه نظامی، نگذاشتند آمریکا بتواند نوع واکنش ایران را در صورت حمله آمریکا به سوریه متوجه شود. بزرگ ترین ترس آمریکا آن است که جمهوری اسلامی پایگاه های آمریکا در منطقه را برای نظامیان آمریکایی ناامن کند و یا با اعلام توان خود بر تنگه هرمز غرب را برای تامین سوخت دچار مشکل نماید.

مرحله سوم

این مرحله که خود آغاز سلسله تحولات جدید است. می تواند تمامی منطقه را دچار مشکل و ناآرامی نماید.



مبارزات خود بیردازند که در این صورت نیز شکست سختی برای مخالفان بشار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اکنون که معارضین بشار با شکست های متعدد مواجه شده اند و ارتش سوریه توانسته است بسیاری از مناطق تحت پوشش تروریست ها را آزاد کرده است، حامیان خارجی این تروریست ها چاره ای جز حمله به این کشور ندیدند. با این حال حمله به این کشور که در سه مرحله به دنبال اهداف متعددی است نمی تواند التیامی برای جبهه مخالفان بشار باشد و تنها کار را در منطقه برای غربیان سخت تر می گرداند. در این یک روز باقی مانده باید منتظر بود و دید آیا غربیان بر سر عقل می آیند و متوجه تبعات جنگ برای خود و دیگران می شوند یا نه؟

این افراد نخواهد گذاشت دولت آمریکایی بعد از بشار رنگ آرامش را به خود ببیند. از همین رو نظامیان خارجی مجبور به ترک سریع این کشور خواهند شد تا دولت جدید غربگرا را با ناآرامی ها تنها بگذارد. به این شکل ممکن است شکستی که غرب در عراق داشت را دوباره در سوریه تجربه نماید. در این صورت دولت بعد از بشار زودتر از آنچه تصور می شود از بین رفته و یک دولتی مشابه دولت مالکی عراق بر سر کار خواهد آمد.

اما اگر جبهه مخالفان بشار اسد با مقاومت شدید بشار و حمایت های بی دریغ جمهوری اسلامی و پشتوانه سوریه مواجه شوند که در این صورت هزینه جنگ برای مخالفان بشار بالا خواهد رفت احتمال آن می رود که جبهه خارجی کار را رها کرده و تکفیری ها به ادامه

رونمایی از تاکتیک آمریکا در قبال سوریه

نوعی در جهت عکس این بوده است؟ چرا جمهوری اسلامی ایران در حمایت از بیداری اسلامی در بحرین، یمن، مصر، لیبی، تونس و حتی برخی کشورهای دیگر که تحولات در آنها به تندی و جدیت این کشورها نرسیده است فعال است، اما در سوریه اقدامی کاملاً متفاوت و در مخالفت با این تحولات انجام می‌دهد؟ به بیان صریح‌تر، چرا جمهوری اسلامی ایران تحولات همه این کشورها را بیداری اسلامی می‌داند و از آنها حمایت می‌کند اما آنچه در سوریه می‌گذرد را بیداری اسلامی نمی‌داند و از آن حمایت نمی‌کند و حتی در برابر آن موضع می‌گیرد؟ این سوالی است که متن حاضر بر آن است که به اختصار هر چه تمامتر به آن بپردازد.

ملاک‌ها و معیارهای جمهوری اسلامی

به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران به نحوی کاملاً مشخص بر اساس ۵ ملاک زیر به حمایت یا مخالفت با جریان‌های سیاسی و اجتماعی دست می‌زند. به عبارت بهتر ارزش‌های بنیادین نظام جمهوری اسلامی را می‌توان در تقابلی که متناسب با متن حاضر باشد به ۵ شاخه اصلی زیر تقسیم کرد. این پنج شاخه عبارتند از: اسلام‌گرایی، مردمی بودن، استقلال، استکبار ستیزی، اسرائیل ستیزی. اصولاً نظام جمهوری اسلامی ایران نیز خود را نظامی می‌داند که مبنای و ملاک‌های اصلی حرکت و دوامش بر همین ۵ شاخه استوار

از لحاظ فکری آمریکا به خوبی می‌داند که حمله به عراق و افغانستان به اندازه کافی منجر به تضعیف چهره او در نزد افکار عمومی داخلی و خارجی شده است، و به همین دلیل در حمله نظامی ناتو به لیبی بسیار حضور کم‌رنگی داشت و سیاستمداران آن مدام از کوتاه بودن همان همراهی کوتاه نیز سخن می‌گفتند. از سوی دیگر، شرایط ژئوپلیتیکی منطقه به گونه ای است که هر حمله نظامی ای به سوریه منجر به تهدید فوق العاده رژیم صهیونیستی خواهد شد.

از ۱۶ مارس ۲۰۱۱ که تحولات سوریه به صورت جدی آغاز شده است و درگیری‌های داخلی این کشور گاه به خشونت‌ها خون‌بار کشیده است بیش از یکسال می‌گذرد. در این مدت یکی از سوالانی که ذهن بسیاری از ایرانیان و نیز جهانیان را به خود معطوف کرده است این است که موضع جمهوری اسلامی ایران در این تحولات چیست؟ به عبارت دیگر در حالی که جمهوری اسلامی ایران در دیگر تحولاتی که در منطقه رخ می‌دهد با جدیت هرچه تمامتر و با ارائه الگوی «بیداری اسلامی» حضور پیدا کرده است و با حمایت جدی از این تحولات آن‌ها را گام‌هایی لازم در جهت اصلاح اوضاع منطقه می‌داند، چرا در موضوع سوریه سیاست جمهوری اسلامی ایران کاملاً متفاوت و به

یک بیداری اسلامی ارزیابی کند و در بالاترین سطوح خود به حمایت از این تحولات وارد شود.

تطبیق این ۵ ملاک بر سوریه

نظام کنونی سوریه به لحاظ این ۵ ملاک وضعیت مطلوب و قابل قبولی ندارد. سوریه کشوری با نزدیک به ۲۱ میلیون نفر جمعیت است که از نژادها و قومیت‌ها و ادیان و مذاهب مختلف شکل گرفته‌اند. اکثریت قومی مردم این کشور عرب (نزدیک به ۸۵ درصد) و اکثر مذهبی مردم این کشور مسلمانان سنی مذهب (نزدیک به ۷۰ درصد) هستند. حکومت سوریه حکومتی اسلامی یا اسلام‌گرا محسوب نمی‌شود. بلکه حکومتی است سکولار مانند که به لحاظ ایدئولوژیک وابسته به یک جریان خاص در حزب بعث است و سابقه چپ‌گرایی در آن پررنگ است. اما حکومت سوریه از حکومت‌های ضد اسلامی و سرکوب کننده گرایش‌های اسلامی نیز محسوب نمی‌شود. به عنوان مثال در این حکومت حرکت‌هایی مانند ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها (که در ترکیه رایج است) دیده نمی‌شود. بنابراین حکومت سوریه در اولین ملاک مورد نظر جمهوری اسلامی ایران نمره بالایی دریافت نمی‌کند و حکومتی مطلوب و مورد نظر حاکمان و رهبران و سیاست‌گذاران ایرانی محسوب نمی‌شود.

حکومت سوریه حکومتی اسلامی یا اسلام‌گرا محسوب نمی‌شود. بلکه حکومتی است سکولار مانند که به

است. جمهوری اسلامی خود را نظامی اسلامی، مردمی، مستقل، ضد استکباری و ضد صهیونیستی می‌خواهد و در این جهت نیز حرکت می‌کند. (شایان ذکر است که در حیطه داخلی نیز می‌توان این ملاک‌ها را با اندکی تغییر و متناسب‌سازی، ملاک‌های ارزیابی جریان‌های سیاسی در داخل نظام جمهوری اسلامی دانست، که بحث از آن مجال دیگری را می‌طلبد)

برداشت رهبران جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاران دخیل در جهت گیری کلان جمهوری اسلامی آن است که تحولاتی که در دیگر کشورهای منطقه در جریان است در مجموع به تقویت این ۵ شاخصه می‌انجامد. به عنوان مثال از منظر رهبران جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاران آن تحولات مصر، یک بیداری اسلامی است، چرا که در مجموع آنچه در مصر می‌گذرد می‌تواند باعث شود که نظامی اسلام‌گرا، مردمی، مستقل، ضد استکباری و ضد صهیونیستی در این کشور بر سر کار آید و یا به نحو حداقلی، نظامی بر سر کار آید که در این زمینه از نظام سابق به رهبری حسنی مبارک به مراتب بهتر باشد. از این جهت با ملاک قرار دادن این ۵ معیار است که می‌توان بررسی نمود که یک جریان سیاسی یا اجتماعی و یک تحول سیاسی و حکومتی از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران مثبت تلقی می‌شود یا خیر. در مورد لیبی، بحرین، یمن، تونس و ... نیز همین تحلیل و همین نگاه باعث شده است که نظام جمهوری اسلامی این تحولات را

لحاظ ایدئولوژیک وابسته به یک جریان خاص در حزب بعث است و سابقه چپ‌گرایی در آن پررنگ است. اما حکومت سوریه از حکومت‌های ضد اسلامی و سرکوب کننده گرایش‌های اسلامی نیز محسوب نمی‌شود.

در ملاک دوم که مردمی بودن است نیز حکومت سوریه حکومتی مردمی و برآمده از آراء و اعتقادات مردم و با پشتیبانی کامل مردمی محسوب نمی‌شود. حکومت سوریه حکومتی است که با قدرت نظامی و فعالیت‌های شبه‌کودتایی حزب بعث و بعدها شخص حافظ اسد ایجاد و حفظ و تقویت شده است. از این رو نمی‌توان حکومت سوریه را نظامی مردمی و مردم‌سالار دانست، هر چند در آن ظاهر حکومت، جمهوری و مبتنی بر قانون اساسی و انتخابات‌های عمومی باشد. اما باید اذعان داشت که حکومت سوریه حکومتی ضد مردمی نیز نیست. به عبارت بهتر اگر چه این حکومت مردم‌سالار نبوده است اما قدرت نظامی و فعالیت‌های کودتایی و شبه کودتایی آن نیز علیه مردم به کار گرفته نشده است بلکه برای خارج کردن قدرتهای خارجی مانند فرانسه و انگلیس به کار گرفته شده است (و نیز تفاوتی مبنایی با حکومت‌هایی مانند عربستان دارد که به صورت خاندانی موروثی و بدون هیچ قانون و ملاکی اداره می‌شوند). در مجموع حکومت سوریه در این ملاک نیز نمره بالایی از منظر جمهوری اسلامی ایران دریافت نمی‌کند. شایان ذکر است که قانون اساسی

جدید سوریه و تحولاتی که در آن پدید آمده است که مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران نیز هست، حرکتی در جهت مردمی‌تر شدن این حکومت است. در ملاک سوم که استقلال باشد، حکومت سوریه به وضوح از غالب حکومت‌های منطقه به خصوص هم‌پالکی‌های عربی برتر است. حکومت سوریه حکومتی مستقل و غیر وابسته است. این حکومت هر چند در گذشته گرایش‌های چپ داشته است اما به دلایل گوناگون از جمله افول مارکسیسم، از استقلال خوب و قابل قبولی برخوردار است. (اصولا مقایسه سوریه با کشورهایی مانند مصر دوران مبارک، یا عربستان کنونی در این ملاک ممکن نیست. در حالی که مصر و عربستان حکومت‌هایی شبه _ دست‌نشانده و کاملا وابسته داشتند و دارند، سوریه از حکومتی برخوردار است که استقلال قابل قبولی دارد.) این حکومت در عرصه‌های مختلف نشان داده است که در برابر فشارهای بین‌المللی نظام سلطه نیز می‌ایستد و استقلال خود را حفظ می‌کند. به عنوان مثالی در این زمینه می‌توان به موضع سوریه در حمایت از جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۸ ساله بعث عراق علیه ایران اشاره کرد و یا به موضع حمایتی سوریه از جریان‌های مقاومت در منطقه. (در این زمینه نیز حکومت سوریه بسیار برتر از حکومت ترکیه است که در چارچوب منافع غرب و خصوصا اتحادیه اروپا در منطقه فعالیت می‌کند) بنابراین سوریه در این ملاک از جمهوری

الگوی آمریکایی برای سوریه

چنان‌که ذکر شد اگر چه دولت سوریه دولتی نیست که شایستگی کامل داشته باشد و بدون عیب و نقص باشد؛ اما به نظر می‌رسد که طرح‌های آمریکایی و اسرائیلی در مورد دولت سوریه (که در تحولات این کشور و از سوی معارضین حکومت سوریه مبنای کار قرار داده شده است) به دنبال بهبود وضعیت این دولت در ۵ شاخصه ذکر شده نیست. واضح است که طرح‌های آمریکایی و اسرائیلی در باب تحولات سوریه به دنبال اسلامی‌تر کردن حکومت این کشور نباشد اما در مورد ملاک مردمی بودن نیز به نظر نمی‌رسد که آمریکا و اسرائیل دغدغه‌ای در این جهت داشته باشند. چرا که سابقه حمایت جدی آنها از حکومت مبارک در مصر و حکومت عربستان در حال حاضر و حکومت بحرین کنونی نشان از آن دارد که برای آمریکا و در طرح‌های این کشور مساله اصلی مردمی بودن حکومت‌ها نیست. از این رو به نظر می‌رسد که تلاش‌های معارضان دولت سوریه نه تنها به بهتر شدن وضع سوریه در ملاک‌های اسلامی بودن و مردمی بودن منجر نشود بلکه در ملاک‌های بعدی یعنی استقلال و استکبارستیزی و اسرائیل‌ستیزی نیز وضع مطلوب و مورد نظر جمهوری اسلامی را به دنبال نخواهد داشت. بر این مبنا کاملاً روشن و واضح است که چرا جمهوری اسلامی ایران تحولات سوریه را حرکتی از سنخ بیداری اسلامی نمی‌داند و حاضر به حمایت از آن نیست.

اسلامی ایران نمره خوب و قابل قبولی دریافت می‌کند. ملاک چهارم که استکبارستیزی و مقابله با جریان‌های حاکم بر نظام سلطه باشد نیز هر چند سوریه به طور کامل و مطلوب چنین نیست، اما در حد خود و خصوصاً در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه نمره قابل قبولی دریافت می‌کند. حکومت سوریه به نسبت حکومت‌هایی مانند عربستان و حتی ترکیه در این زمینه حکومتی قابل قبول و در برابر نظام سلطه است که با اهداف و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران سازگاری نسبی دارد.

ملاک پنجم که مبارزه با صهیونیسم باشد، از شاخصه‌های قوی نظام سوری است. این جمله مشهور حافظ اسد در زمانی که هنوز قدرت کامل را در سوریه به دست نیاورده بود (و توجه شود که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بیان شده است) نماد حرکت سوریه در قبال رژیم صهیونیستی است: ما هرگز صلح با اسرائیل را نمی‌پذیریم و به آن هم دعوت نمی‌کنیم. ما این سرزمین را با خون رنگین می‌کنیم و غاصبان را به دریا خواهیم ریخت (حافظ اسد، ۲۴ می ۱۹۶۶)

واضح است که طرح‌های آمریکایی و اسرائیلی در باب تحولات سوریه به دنبال اسلامی‌تر کردن حکومت این کشور نباشد اما در مورد ملاک مردمی بودن نیز به نظر نمی‌رسد که آمریکا و اسرائیل دغدغه‌ای در این جهت داشته باشند.

جمهوری اسلامی به صراحت اعلام می‌کند که خواهان بر طرف شدن مشکلات حکومت سوریه و اصلاح آن است. حکومت سوریه باید به آهستگی و به نحوی که آرامش و امنیت در این کشور به هم نخورد به سمت اسلامی شدن و مردمی‌تر شدن حرکت کند. حکومت این کشور باید به سمت مردم‌سالاری دینی برده شود و مشخص است که این حرف جمهوری اسلامی حرفی کاملاً هماهنگ با دیگر سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی است و از این رو نمی‌توان آن را در تعارض با سیاست حمایت از بیداری اسلامی در منطقه دانست. بر همین اساس رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر خود با نخست‌وزیر ترکیه در خصوص اوضاع سوریه با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران قویاً با هر طرحی که آمریکاییها در ارتباط با مسایل سوریه مبدع آن باشند مخالف است، خاطر نشان کردند: جمهوری اسلامی ایران از سوریه به دلیل حمایت از خط مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دفاع خواهد کرد و با هر گونه دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی سوریه به شدت مخالف است. ایشان تاکید کردند: ما از اصلاحات در سوریه همواره حمایت می‌کنیم و اصلاحاتی که در سوریه شروع شده، باید ادامه یابد.

الگوی جمهوری اسلامی برای سوریه

اگر بخواهیم بی‌پرده و صریح الگوی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران را برای سوریه مطرح کنیم، باید گفت که جمهوری اسلامی ایران خواهان نوعی مردم‌سالاری بومی شده در سوریه است. جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد که تحولات سوریه به سمتی سوق یابد که ضمن حفظ و تقویت نقاط قوت این حکومت (ملاک‌های: استقلال، استکبار ستیزی و اسرائیل ستیزی) نقاط ضعف آن (ملاک‌های اسلام‌گرایی و مردمی بودن) برطرف شود. از این روست که جمهوری اسلامی ایران در طرحی حساب شده ضمن تاکید بر ضرورت اصلاحات اسلامی و مردمی در سوریه و تلاش برای همدلی هرچه بیشتر بین دولت سوریه و مردم این کشور با هر طرحی که به دنبال سرنگونی دولت سوریه و بر سر کار آوردن دولتی هماهنگ با آمریکا و اسرائیل باشد مخالفت خواهد کرد. به عبارت بهتر حرکت و سیاست جمهوری اسلامی ایران این پیام صریح و قابل دفاع را دارد که باید به حکومت سوریه کمک کرد که ضمن حفظ روحیه مبارزه با اسرائیل و ایستادن در برابر طرح‌های آمریکا در منطقه، رابطه خویش را بر اساس مبانی اسلامی با مردم خویش تقویت سازد. پس

همه مخالفان سیاست‌های دولت اردوغان در قبال سوریه

شکست نظر به داوود اغلو

نمی‌خواهند اتحاد تیم اردوغان - اوغلو را بشکنند فعلا به صورت کاملا علنی مخالف خود را ابراز نمی‌کنند [۱] ۱,۲ حزب جمهوری خواه خلق ((CHP نخستین حزب در ترکیه پس از استقلال در سال ۱۹۳۲، حزب جمهوری خواه خلق (CHP) بود که به وسیله کمال آتاترک بنیان گذاشته شد و تا ۲۳ سال در نظام سیاسی بدون این که رقیبی داشته باشد، اداره کشور را در دست داشت.

حزب جمهوری خلق حزب آتاتورک، سکولار و غرب‌گرای افراطی است و خود را سوسیال دمکرات می‌نامد. حزب جمهوری خلق سیاست خارجی مورد نظر خود را تحت عنوان «سیاست خارجی متکی بر صلح، توسعه و دمکراسی» تدوین کرده است و رهبری این حزب بر عهده کمال قلیچ دار اوغلو است.

وی یکی از مخالفان برجسته نظام حاکم ترکیه است؛ که با انتقاد از سیاست‌های نخست وزیر این کشور در قبال سوریه، اردوغان را مجری دستورات آمریکا می‌داند؛ که به گفته وی سبب دشمنی با همسایگان شده است.

همچنین «کمال‌قلیچ دار اوغلو» رهبر حزب مردم جمهوری خلق ترکیه با افزایش دامنه انتقاد‌های خود صراحت اعلام کرد: آمریکا دستور می‌دهد و دولت رجب طیب اردوغان نیز این اوامر را درباره سوریه اجرا می‌کند؛ تا کی ترکیه باید مجری طرح‌های بین‌المللی و کشورهای غربی در خاورمیانه باشد؟ ترکیه هم

سیاست خارجی دولت اردوغان که در واقع طراحی داوود اغلو وزیر امور خارجه دولت کنونی ترکیه است منجر به آن شد که در نهایت دولت ترکیه در مقابل همسایگان خود از جمله سوریه بایستد. این سیاست بازتاب‌های متفاوتی را در داخل و خارج از ترکیه داشته است. متن زیر به بررسی مخالفین داخلی ترکیه نسبت به سیاست مذکور در قبال سوریه می‌پردازد.

اشاره:

با آغاز درگیری‌ها در سوریه، دولت ترکیه به سرعت به مخالفت با نظام حاکم سوریه (دولت اسد) پرداخت؛ اقدامات ضد اسد به همین جا ختم نشد. ترکیه برای مخالفان اسد اردوگاه نظامی در خاک خود ایجاد کرد و حتی کنفرانس‌های مخالفان را در استانبول کلید زد. اردوغان و هم‌پیمانانش هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند که رفتاری افراطی آنان در برابر نظام سوریه باعث مخالفت احزاب و مردم ترکیه شود. در این مطلب به بررسی اردوگاه مخالفان دولت اردوغان می‌پردازیم.

۱. احزاب و اتحادیه‌ها

۱,۱ عدالت و توسعه (AKP)

در داخل حزب عدالت و توسعه نیز صدای مخالفان داوود اوغلو شنیده می‌شود اما آنان به دلیل اینکه

خلق با اردوغان به دلیل همراهی اردوغان با آمریکا نیست بلکه به دلیل اختلاف های داخلی است.

۱,۳ حزب صلح و دموکراسی

حزب صلح و دموکراسی از احزاب فعال در مناطق کردنشین محسوب می شود و بارها از سوی وزارت کشور ترکیه تهدید به منع فعالیت شده است برخی از تحلیل گران سیاسی این حزب را شاخه غیر نظامی پ.ک.ک می دانند به طوری که لیلا زانا از نمایندگان زن مجلس ترکیه به دلیل حمایت از حزب پ.ک.ک، ک.ک به دادگاه فراخوانده شد.

صلاح الدین دمیرتاش از روسای حزب صلح و دموکراسی درباره مسائل سوریه با بیان کنایه ای به مسئولان سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه گفت: طی ۵ سال گذشته رهبر پ.ک.ک عبدالله اوجالان نظرات خود را در مورد سوریه بیان داشت، اما تاکنون هیچکس چنین تحلیل ها و پیش بینی هایی در مورد سوریه ارائه نکرده است. اوجالان در یک سلول انفرادی بتنی ۱۲ مترمربع تنها با خواندن چند روزنامه اوضاع سوریه را تحلیل نمود.

وی همچین افزود: حزب اردوغان یعنی حزب عدالت و توسعه به نام اسلام سربر آورد، اما هم اکنون حتی از مسئله حجاب هم دفاع نمی کند. این حزب در قالب جماعت گلنی [IV] سربر آورد اما هم اکنون یک شرکت سودطلب است. [V]

۱,۴ حزب حرکت ملی ترکیه (MHP)

حزب حرکت ملی ترکیه؛ حزبی جنبش گرا و ملی گرا به رهبری ارسلان نورکیز می باشد و پیوسته دنباله

اکنون در آستانه جنگ با همه همسایگانش قرار گرفته است؛ چرا ما باید در امور داخلی سوریه دخالت کنیم؟ چرا باید در سوریه بجنگیم و تا کی مسلمان باید برادر مسلمان خود را بکشد؟ حداقل در سوریه بازداشتگاه های دسته جمعی همانند ترکیه وجود ندارد؛ راه حل بحران سوریه فقط از طریق گفتگو است نه جنگ و کشتار. [ii] کمال قلیچ دار اوغلو در اظهارات جداگانه ای با انتقاد به سیاست عمق استراتژیک «احمد داود اوغلو» او را «احمق» توصیف کرد و گفت: سیاست های خارجی ترکیه عمق راهبردی ندارد؛ وزیر امور خارجه ترکیه در همه دنیا به بی کفایتی معروف است و نقش جدید ترکیه در منطقه و پیوستن این کشور به برخی جریانها بی معنی است. [iii]

همچنین این حزب طرفداران خود خواست همزمان با سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه (۲۹ اکتبر) با برپایی تظاهرات در آنکارا و استانبول به سیاست های دولت رجب طیب اردوغان اعتراض کنند. پلیس ترکیه با استفاده از گاز اشک آور، گاز فلفل و ماشین های آب پاش سعی در متفرق کردن جمعیت هزاران نفری معترضان را داشت که قصد داشتند با تجمع در میدانی در آنکارا به سمت مقبره آتاتورک راهپیمایی کنند.

همچنین نماینده حزب جمهوری خلق «رفیق ار ایلماز» در پارلمان ترکیه با طرح سوالی که به منظور استیضاح وزیر خارجه این کشور به مجلس ارائه کرده است. گفتنی است که این حزب به دنبال مخالفت با سیاست های آمریکا نمی باشد چرا که زمانی که حزب مورد بحث در ترکیه قدرت به دست داشت ضمن چالش جدی با ایران از متحدان اصلی آمریکا در منطقه به حساب می آمد از همین رو مخالفت حزب جمهوری

تظاهرات، حمایت از سوری‌ها و رهبر آنها در برابر توطئه بین‌المللی بود که ملت و رهبری سوریه را هدف قرار داده است و مخالفت قاطع خود را با وجود اردوگاه‌های آموزشی برای تروریستهای سلفی که دولت عدالت و توسعه با نظارت مستقیم آمریکا، آنها را برای حمایت از باندهای موسوم به ارتش آزاد در داخل سوریه جذب کرده است، مورد تأکید قرار دادند.

۱,۶ اتحادیه جوانان ترکیه

«مصطفی الکاد» رئیس اتحادیه جوانان ترکیه تظاهرات در اعتراض به سیاستهای ضد سوری دولت رجب طیب اردوغان در استانبول اظهار داشت اردوغان ترکیه را به یک منبع تهدید برای کشورهای همسایه تبدیل کرده است در حالی که ما می‌خواهیم ترکیه مکانی برای ابراز همبستگی با سوریه، فلسطین و ملت‌های منطقه باشد.

۱,۷ حزب دموکرات ترکیه

نایب‌کمال زبیک رئیس سابق حزب دموکرات ترکیه در گفت‌وگویی با بیان اینکه رجب طیب اردوغان در حزبش مثل یک دیکتاتور عمل می‌کند، گفت: اکنون ترکیه به سمت دیکتاتوری پیش می‌رود و همچنین با انتقاد از حمایت ترکیه از تروریست‌های سوریه گفت: ترکیه باید به غزه به صورت جدی تری کمک کند

۱,۸ اتحادیه‌ها و سندیکا کارگری

فدراسیون انقلابی اتحادیه‌های تجاری، کارمندان بخش خصوصی، فدراسیون اتاق معماران، فدراسیون سندیکای پزشکان به علاوه شماری از دیگر احزاب

رو نظامیان بوده و در حال حاضر نیز باغچه‌لی رهبری حزب را به عهده دارد.

باغچه‌لی رهبر این حزب به انتقاد از سیاست‌های اردوغان پرداخت و گفت: حکومت حزب عدالت و توسعه مداوم تلاش کرده است که در حوزه جغرافیایی منطقه شامل ایران، عراق، سوریه، فلسطین، لبنان و اسرائیل تنش‌آفرینی کند و بدان دامن بزند؛ چه اتفاقی افتاده است که اردوغان از ناتو درخواست کرد که موشک‌های پاتریوت در مرزهای ترکیه با سوریه مستقر شود. آیا موشک‌های سوریه به طرف ترکیه نشانه رفته است؟ آیا نگرانی عبدالله گل درباره تهدیدات احتمالی موشک‌های سوریه با کلاهک‌های سلاح شیمیایی واقعیت دارد؟ ولی مسئله شک بر انگیز این است که آیا تحت پوشش مقابله با سوریه، دفاع از اسرائیل رخ خواهد داد.

همچنین باغچه‌لی در میان طرفدارانش گفت: آینده سوریه را مردم سوریه باید تعیین کنند و کسی نباید خود را عهده‌دار وظیفه در این کشور تلقی کند و زمینه شکل‌گیری آینده سوریه با مداخله خارجی را فراهم آورد؛ در این زمینه به خصوص حزب حاکم «عدالت و توسعه» باید دقت لازم را داشته باشد و ترکیه را به راهی بی‌بازگشت سوق ندهد.

۱,۹ احزاب

حزب کار در تظاهرات گسترده‌ای در انطاکیه در مخالفت با سیاست‌های خصمانه اردوغان و حزب متوَعش علیه ملت‌های منطقه به ویژه ملت سوریه ترتیب داد. محور اصلی شعارهای شرکت‌کنندگان در این

آرای جمعیت نژاد کرد همواره عامل مهمی برای پیروزی در انتخابات ترکیه محسوب می شود از سال ۱۹۷۳ کردها در انتخابات پیایی ، همواره بیشتر آرای خود را به نفع اسلام گرایان به صندوقها ریخته اند و نقش مهمی در پیروزی آنها ایفا کرده اند ؛ پس از سقوط امپراتوری عثمانی ، حکومت در ترکیه براساس ناسیونالیسم ترکی شکل گرفت و سران حکومت ها به غیریت سازی با کردها پرداختند و آنان را « ترک های کوهی» می نامیدند به همین دلیل الگوی رای دهی کردها به سمت اسلام گرایان تمایل دارد .

افزایش قدرت کردها سوریه با کنترل شهرهای کردنشین مانند قامیشلو در قالب اتحاد دموکراتیک سوریه (PYD) سبب شده است بار دیگر کرد های ترکیه تحرکات سیاسی خود را آغاز کنند؛ به گونه ای که درگیری ها در دانشگاه آتاترک بین ششصد تن از دانشجویان کُرد و ترک در گرفت و دو یگان از پلیس ضدشورش به سختی توانستند کنترل اوضاع را در دست بگیرند. همچنین به دنبال فراخوان حزب صلح و دموکراسی به منظور حمایت از اعتصاب غذای زندانیان پ.ک.ک، در شهرهای دیاربکر، حکاری و... تظاهرات و درگیری های پراکنده ای بین مردم و پلیس روی داد.

تنش ها در سوریه کاتالیزور اقدامات نظامی گروه مسلح پ. پ. ک نیز بود؛ به طوری که اقدامات عملیاتی پ.ک.ک مانند انفجار خط لوله کرکوک-جیحان و درگیری های پراکنده این گروه با سرویس امنیتی ترکیه (میت) در این راستا شکل گرفته است. سران حزب عدالت و توسعه نگران هستند حوادث اخیر در مناطق کردنشین سبب پراکندگی آرا آنان شود و

و سازمان های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ۳۰ مهر در شهرهای سراسر ترکیه تظاهرات کردند. اسماعیل هکی تومبول، دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری گفت که این سیاست های دولت ترکیه فرقه گرایی و نفرت را در داخل ترکیه موجب می شود و به علاوه مردم ترکیه را متحمل افزایش مالیات و هزینه های زندگی می کند. همچنین تظاهرات کنندگان نخست وزیر ترکیه را به عامل امریکا بودن متهم کردند و خواستار خاتمه یافتن مداخله فضول مابانه وی در امور سوریه شدند.

۲. مردم عادی

مردم ترکیه، با تجمع در مقابل ساختمان پارلمان، مخالفت خود را به صدور مجوز عملیات نظامی نیروهای ترکیه در خارج از مرزها که هشدار ضمنی به نظام اسد بود ؛ اعلام کردند.

تظاهر کنندگان خشمگین با سر دادن شعارهایی، سیاست های رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه را در دخالت کردن در امور سوریه محکوم کردند و او را فاشیست خواندند.

نیروهای پلیس ترکیه با استفاده از گاز اشک آور و خودروهایی آب پاش تظاهر کنندگان ضد جنگ را در آنکارا سرکوب کردند.

۲. اقوام و مذهب

۲,۱ کود

نیمی از کل جمعیت کل کردهای منطقه غرب آسیا یعنی ۱۲ تا ۱۶ میلیون نفر در ترکیه زندگی می کنند ؛ هرچند که خود کردها معتقدند در ۱۸ استان شرق و جنوب شرقی ترکیه ۱۷ میلیون کرد زندگی می کنند.

آمدند و در میدان مرکزی « صحیه» این شهر دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. به گونه ای که رسانه های ترکیه شمار شرکت کنندگان در این تظاهرات را بیش از یک صد و پنجاه هزار نفر اعلام کردند.

این تظاهرات که تحت عنوان تساوی حقوق شهروندی برگزار شد با راهپیمایی علویانی که از دیگر شهرهای ترکیه به آنکارا آمده اند از ایستگاه قطار آنکارا آغاز و با پیوستن آنان به علویان مقیم آنکارا در میدان صحیه تبدیل به تظاهرات گسترده ای شد. شرکت کنندگان با شعار های چون «مردم سوریه برادر ما هستند، جنگ نمی خواهیم»، «سرباز آمریکا نخواهیم شد» و «آمریکا قاتل است حزب حاکم ترکیه همکار آمریکاست» به سیاست های جنگ طلبانه دولت اردوغان اعتراض کردند.

«صلاح الدین اوزال» رئیس فدراسیون علویان ترکیه طی سخنانی در جمع معترضین گفت: ابرهای سیاه بر روی ترکیه دیده می شود، محافلی که در هوس پادشاهی (احیاء امپراتوری عثمانی) هستند نوکری امپریالیسم در خاورمیانه را بر عهده گرفته اند ولی روزی تاوان آن را خواهند پرداخت. این تظاهرات در جوی آرام صورت گرفت ولی در مقاطعی پلیس آنکارا با اسپری فلفل گروهی از تظاهر کنندگان را که حاضر نشدند بازرسی بدنی شوند مورد حمله قرار داد.

۲,۳ شیعیان

«صلاح الدین اوزگندوز»، رهبر شیعیان ترکیه، در اجتماع هزاران نفری عزاداران در شهر استانبول درباره حوادث سوریه اظهار داشت: برخی کشورهای منطقه مانند عربستان و قطر خواهان دموکراسی در سوریه

چرخش آرا به سمت حزب صلح و دموکراسی میل کند.

۲,۲ علوی ها

آمار های متناقضی از جمعیت جامعه علوی ترکیه اعلام می شود که نزدیکترین آن به واقعیت ۱۵ درصد (۱۰ تا ۱۳ میلیون) جمعیت جامعه ترکیه است [vi]. هرچند رضا زلیوت که یکی از نویسندگان برجسته علوی است ادعا می کند یک سوم مردم ترکیه (۲۴ میلیون نفر) علوی هستند [vii].

علویان در عرصه جدال سیاسی در کنار آتاتورک قرار گرفتند و در پیروزی وی سهیم شدند، آنان گمان می کردند که پس از پانصد سال دوری از عرصه های سیاسی روزنه ای برای حضور در روند سیاست ورزی ترکیه پیدا کرده اند اما قوانین زور مدارانه آتاتورک که پس از تحکیم قدرت در تحریم طریقتها برقرار کرد، باعث شد که علویان بار دیگر رسماً از صحنه سیاست کنار زده شوند. علویان پس از آتاتورک، آرای خود را به طور سنتی به حزب جمهوری خواه خلق ((CHP می دهند.

نگرانی اصلی علویان از وقایع کشتار در سوریه از بین رفتن و نسل کشی هم مسلکان خود در آنجا است؛ که برای علویان ترکیه یادآور حادثه شهر ماراش در سال ۱۹۷۸ که طی آنان بیش از صد علوی کشته شدند و همچنین قتل بیش از ۸۰ علوی در سال های ۱۹۸۰ در شهر چوروم، ۱۹۹۳ در شهر سیواس و در سال ۱۹۹۵ در محله قاضی استانبول است [viii].

دهها هزار تن از علویان ترکیه به دعوت فدراسیون و انجمن علویان ترکیه از سراسر این کشور به شهر آنکارا

اردوغان را اشتباه تفسیر می کنند. بنابراین دو راهبرد داوود اوغلو یعنی حل مشکلات داخلی و رابط صلح جوانه با همسایگان روند معکوسی را پیمود. مسلماً حزب عدالت و توسعه و در راس آنان اردوغان با وقوع چپش جدید مخالفان در انتخابات بعدی جدال نفس گیری برای تصاحب ماتریس قدرت دارد.

پی نوشت ها:

i] <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/monitor/davutoglu-blame-fail.html>

ii] <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1601385>

iii] <http://www.asremrooz.ir/vdcevz8x.jh8nvi9bbj.html>

iv] اشاره به فتح الله گولن
v] <http://fa.firatajans.com/index.php?rupel=nuce&nuceID=7372>

vi] محسن مرادیان، برآورد استراتژیک ترکیه

vii] رضا زلیوت؛ علویان باید چه کنند، ص ۹

viii] نوری دونمز، علویان ترکیه، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

ix] www.zeynebiye.com

هستند که این ادعا از سوی این کشورها قابل قبول نیست و دولت ترکیه نیز به این بازی ها تن نخواهد داد. رهبر شیعیان ترکیه ضمن مخالفت با موضع دولت این کشور در قبال اتفاقات سوریه افزود: معارضان در سوریه به حرم مطهر حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) و اماکن مذهبی در این کشور حمله می کنند. آیا این خدمت به مردم سوریه است یا خدمت به وهابیت؟! [ix]

۳،۴ ترک های مقیم خارج

ترک های مقیم آلمان و جمعی از فعالان مخالف جنگ که در بین آنها از اروپایی های مخالف سیاست ترکیه در قبال سوریه بودند در برلین علیه اردوغان تظاهرات کردند و سیاست های آنکارا در سوریه را محکوم کردند. آنها شعار می دادند: «جنگ طلب گمشو!» ترکیه از مخالفان مسلح حکومت سوریه حمایت های همه جانبه مالی و تسلیحاتی می کند. دولت دمشق آنکارا را به راه انداختن جنگ داخلی در سوریه متهم می کند.

۴. نتیجه گیری

دولت اردوغان در فهم پیچیدگی های تحولات سوریه دچار اشتباه راهبردی شده است و برخی از شاخص های تاثیرگذار در معادلات سیاسی منطقه ای لحاظ نشده است؛ سلوک رفتاری شتاب زده و افراطی دولت اردوغان در قبال تحولات سوریه، آنان را تنگنای بحران داخلی قرار داده است؛ به گونه ای که احزاب مخالف دولت اردوغان به اتحاد نسبی اعلام مخالفت با سیاست خارجی این دولت رسیده اند؛ همچنین اقلیت های قومی و مذهبی رویکرد و درک تصمیم سازان دولت

تحولات سوریه به کجای انجامد؟

نگاهی به ابعاد بحران سوریه

۳۵

الگو تحلیل کرد؟ این سؤالی است که ذهن بسیاری از تحلیل‌گران عرصه‌ی سیاست را به خود مشغول کرده است. تشکیل نشست‌های مختلف در کشورهای موافق و مخالف نظام سوریه در ایران و قطر در برهه‌ی کنونی نشان می‌دهد که بحران سوریه تبدیل به مسأله‌ای جهانی شده است. بحرانی که صحنه‌ی زورآزمایی قدرت‌های تأثیرگذار شده است. برای به دست آمدن دورنمایی از آینده بحران سوریه ابتدا به علت امتداد بحران تا کنون از یک سو و بررسی سطوح بحران از سوی دیگر نیازمندیم، که در این مطلب به آن می‌پردازیم.

چرا بحران همچنان ادامه دارد؟

با مرور تحولات سوریه مشخص می‌شود که سوریه وارد بحران مداوم و فرسایشی شده است. اما چرا بحران سوریه به سرانجامی نمی‌رسد و همچنان ادامه می‌یابد؟ به این دلیل که:

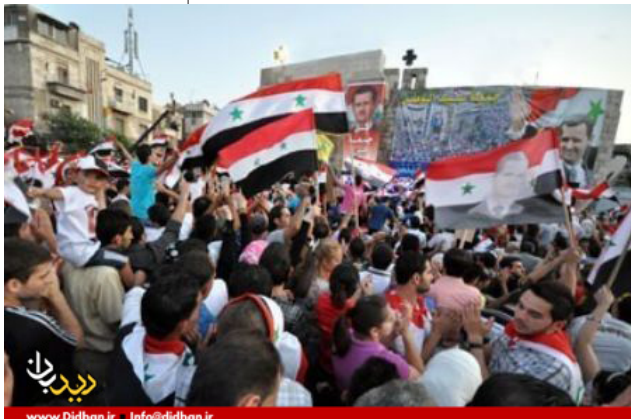
۱. تفاوت جنس تحولات سوریه

علی‌رغم تمامی انتقاداتی که به نظام سوریه در بادی امر به دلیل کاستی‌ها و ضعف‌هایی که داشته وارد است، نباید از یاد برد که حوادث سوریه نسخه‌ای تزییق شده از خارج مرزهای سوریه بوده و این تحولات از داخل خاک این کشور و از دل ملت نجوشیده است. جالب است که تنها در مورد کشور سوریه بسیاری از نیروها و دولت‌های خارجی نظیر عربستان، ترکیه، آمریکا، اسرائیل، قطر، مصر

هر چند که بحران سوریه همچون گذشته نبوده و امروزه کم‌تر کسی به سقوط بشار فکر می‌کند اما این بحران همچنان ادامه دارد، درگیری‌های متعدد مخالفان و نیروهای مردمی و ارتش سوریه با یکدیگر همچنان ادامه دارد و هنوز آینده بحران برای دو طرف درگیری مبهم است. متن زیر با توجه به وضعیت کنونی و اتفاقات رخ داده در سوریه به تحلیلی در خصوص آینده تحولات سوریه می‌پردازد.

اشاره

دیدبان: سوریه همچنان پابرجاست و اسد هنوز قدرت دارد. هنوز محورهای عربی-غربی نتوانستند حرف خود را بر کرسی بنشانند و هنوز تلاش‌های آنان نتوانسته به نتیجه‌ای برسد. چرا علی‌رغم تمام تلاش‌های عربی و غربی برای سقوط بشار اسد و نظام سوریه این نظام هنوز پابرجاست و قدرت دارد؟ چرانی توان سوریه را در کنار مصر، تونس، لیبی، یمن و ... گذاشته و بر اساس همان





و همچنین کشورهای اروپایی بسیج شده اند تا نظام سوریه سقوط کند اما همچنان پابرجاست. یعنی ما در مورد هیچکدام از کشورهای که در آنان بیداری اسلامی رخ داده شاهد این سطح از اجماع وسیع بین المللی نبوده ایم و تنها در مورد سوریه شاهد ائتلاف و لشکر کشی و متحد ساختن های طرف های مختلف هستیم. ائتلافی که در مورد هیچ یک از کشورهای که تحولات جدید را تجربه

کرده اند؛ نظیر مصر، لیبی، تونس، بحرین، یمن و .. شاهد نبوده ایم.

علاوه بر این تمامی درخواست هایی که در ابتدای اعتراضات مردمی در سوریه مبنی بر تأمین حقوق شهروند و سیاسی مورد مطالبه بوده از سوی نظام سوریه تأمین شده و اسد تلاش کرده تا به وعده های خود جامعه ی عمل بپوشاند. اصلاحاتی که برای اندکی از آن مردم بحرین و عربستان ماه هاست که تلاش می کنند و صدها شهید داده اند. این تناقض رفتاری که از سوی بسیاری از کشورهای منطقه اعمال شده نشان می دهد که آنان به دنبال حقوق ملت سوریه و آنچه که مردم برای آن قیام کرده اند نبوده اند بلکه آنها به دنبال اهداف خود و در ورای آن به دنبال سقوط اسد هستند. چراکه سقوط اسد باعث تقویت بسیاری از کشورهای عربی و برداشتن مانع برای بسیاری از کشورها در منطقه می شود و این مسأله ی قابل توجهی است.

بیش از ۵۲ درصد مردم سوریه به اسد رأی خواهند داد. در بعد جامعه شناسی سیاسی و رصد افکار عمومی مردم سوریه؛ امید مجدد به اسد و همراهی با او یعنی عدم توان پیشروی مخالفان و معارضان وجود دارد. مخالفان خارجی و داخلی از ظرفیت مردم سوریه نمی توانند استفاده کنند چرا که بیش از نیمی از مردم سوریه با اسد موافق هستند و از طرف دیگر مشخص نیست که همه ی مخالفان نظام اسد، موافق سقوط وی و راه حل های خشونت آمیز برای تغییر نظام در سوریه باشند. از این رو عملاً نیمی از جامعه مخالف معارضان بوده و نیمی دیگر حداقل سکوت کرده و همراهی نمی کنند که خود باعث تقویت جبهه ی اسد می شود.

با توجه به اعمال خشونت باری که مخالفان و سلفیون در سوریه انجام داده اند و غیر نظامیان را به طرز فجیعی می کشند باید مد نظر قرار داد که این رفتارها همگی باعث حرکت قشر خاکستری مردم سوریه به سمت اسد می شوند. حرکتی که در آن معتقدند وجود حاکمی که به آن نقد وارد است ترجیح دارد بر هرج و مرج، ناامنی و همچنین تسلط افراطیون. چراکه ناامنی بهترین بستر برای رشد افکار افراطی و سلفی است و این یعنی وارد شدن سوریه به جنگ های مداوم و فرسایشی قومی، قبیله ای،

۲. محبوبیت اسد

مسأله ی دوم قدرت و پایگاه اجتماعی اسد است. اسد هنوز در سوریه محبوبیت دارد و اگر پای انتخاباتی به میان بیاید

طرف مقابل باشد. وگرنه همچنان باید منتظر جنگ و بحران و ناامنی در سوریه باشیم.

خود اینکه ارتش سوریه در بسیاری از مناطق توانسته مسلط شود یعنی که اینکه اسد هنوز قدرت و پایگاه



اجتماعی دارد. به این دلیل که ارتش سوریه از مردم و ملت سوریه تشکیل شده و از سایر ملت ها مانند آنچه در بحرین اتفاق افتاد نیست. یعنی ارتش سوریه از همان مردم جامعه ی سوریه است. با یادآوری انقلاب اسلامی ایران و نقش پیوستن ارتش به مردم در جریان انقلاب و پیروزی آن نشان می دهد که در صورت بروز بحران در یک کشور قواعد و ساختار سلسه مراتبی ارتش تا میزان خاصی جواب می دهد و پس از آن این شبکه ی روابط اجتماعی و سایر هنجارهای اجتماعی و دین است که تعیین کننده بوده و می تواند ارتش را از درون منحل یا منسجم کند. وقتی یک ملت پیوند خود را از نظام سیاسی جامعه گسست ارتش نیز بعد از مدتی مضمحل می شود، چیزی که ما در سوریه شاهد آن نیستیم.

طرف های درگیر، سطوح بحران

طرف های درگیر در بحران سوریه در یک سطح و در یک گروه و یک خط فکری دسته بندی نمی شوند. و این

مذهبی و طایفه ای؛ مسأله ای که مردم سوریه آن را درک می کنند و بر اساس آن تصمیم می گیرند.

۳. عدم وحدت مخالفین

مسئله ی دیگری که باید در تحولات سوریه مد نظر باشد آن است که مخالفان نظام سوریه یکدست و هم جهت در هدف و روش نیستند. این وضعیت یعنی برگ برنده ای دیگر برای اسد. مخالفان سوری بخشی به راه حل های مسالمت آمیز معتقدند برخی به روش های خشونت آمیز، برخی در داخل مستقرند برخی در خارج، برخی موافق سقوط اسد هستند برخی مخالف سقوط اسد؛ این مشکلات و اختلاف نظرها در بین مخالفان و معارضین سوری در داخل و خارج در سطوح مختلف وجود دارد. علاوه بر این؛ بخش اعظمی از نیروهای تندرو و افراطی که از سوی گروه هایی نظیر القاعده مدیریت و راهنمایی می شوند، از نیروهای مخالف سیاسی دستور نمی گیرند و به دنبال اهداف خود هستند. یعنی اگر تمام مخالفان سوری با یکدیگر موافق شوند باز هم عده ای از مسلحین هستند که حاضر به هیچ گونه همگرایی با هیچ گروهی نیستند. چون آنان زندگی و حیات خود را در ناامنی و عدم ثبات در سرزمین هایی که شکنندگی قومی و قبیله ای دارند جستجو می کنند.

۴- عدم قدرت یکسره سازی

هیچ یک از طرف های درگیر دوسوریه توان یکسره سازی را در بحران این کشور را ندارند. نه ارتش و نه مخالفان و این یعنی شروع جنگ های مداوم و فرسایشی. تنها با ورود عامل سوم است که این معادله تغییر می کند این عامل سوم می تواند حمله ی خارجی، ترور اسد و یا پذیرش یکی از طرف های درگیر مبنی بر قبول شرایط



اجتماع گروه های مختلف مخالفان سوری بود، نشستی که به دستور امریکا و تلاش های قطر منعقد شد. هیلاری کلینتون در سخنرانی خود رسماً مخالفان سوری را به وحدت خوانده و از آنان خواست در رسیدن به هدف مشترک خود تلاش مضاعف کنند. در

این نشست تلاش شد تا در ورای تقسیم مناصب اجرایی و شکل دهی و پی ریزی پایه های دولتی قومیتی نظیر آنچه در عراق و لبنان شاهد آن هستیم؛ مخالفان را حول محوری به نام قدرت سیاسی جمع کنند. در این نشست رئیس این ائتلاف و سه معاون آن انتخاب شدند.

همچنین توافق نامه ی دوحه به امضای جورج صبرا، رئیس شورای ملی مخالفان سوری رسیده و قرار است وظیفه تشکیل دولت انتقالی را برعهده بگیرد. فرانسه، ترکیه، قطر، تونس، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس نیز این ائتلاف را به رسمیت شناخته اند. از این مواضع مشخص می شود که حامیان بین المللی نیروهای

بر پیچیدگی بحران سوریه افزوده است. هر یک از طرف ها در هر دو سطح داخلی و خارجی و با رویکردهای ایجابی یا سلبی وجود دارند که خود باعث شده مدیریت این بحران از سوی یک مرکز واحد امکان پذیر نبوده و حتی نهادهای بین المللی نظیر سازمان ملل هم نتواند کاری از پیش ببرد. در سطح داخلی نیز تنها با مخالفان سوری رو به رو نیستیم بلکه معارضان نظامی نیز وجود دارند که تحت هیچ شرایطی قابلیت مدیریت را ندارند.

نشست دوحه و نشست تهران به عنوان دو مرکز مخالف و موافق نظام سوریه در یک ماه اخیر دلیلی است بر تلاش طرف های بین المللی برای حل بحران سوریه. این دو

نشست نتایج و پیامدهای

مختلفی در اطراف بحران سوریه داشته و نشان از تلاش های دو جناح برای رسیدن به اهداف خود در مسأله ی سوریه است.

نشست دوحه

نشست دوحه به میزبانی قطر و تلاش های تمام عیار حکام قطر برگزار شد. این نشست محمل





و استقلال رأی تفاوت مهمی با سایر نشست هایی که با محوریت بحران سوریه دارند. شعار اصلی نشست تهران حل مسالمت آمیز بحران سوریه بود و به همین دلیل نام نشست «گفت و گوی ملی سوریه مخالفت با خشونت و حمایت از مردم سالاری و دموکراسی» نهاده شد. در صورتی که شعار و هدف اجلاس های مقابل این نشست بیشتر به دنبال یافتن راه حلی نظامی برای خاتمه دادن به بحران سوریه بود.

تفاوت دیگر در ترکیب اعضای شرکت کننده بود، نشست تهران نمایندگی تمام طیفهای مختلف جامعه سوریه را در برداشت. این طیفها اعم از جریانها، شخصیتهای فعال سیاسی و مستقل، رهبران ادیان و مذاهب که شامل مسیحیان، شیعیان، اهل تسنن، دروزیها، علویها و روسای عشایر، میشد.

باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از جامعه اجتماعی سوریه را عشایر تشکیل میدهند و حضور ۳ یا ۴ تن از روسای عشایر مختلف در نشست شامل جمعیتی نزدیک به ۷ میلیون نفر میشود. -سوریه بیش از ۲۳ میلیون نفر جمعیت دارد- هم چنین در تهران رهبران سیاسی جریانهای کرد نیز حضور داشتند افزون بر این رهبران کمیته مردمی مناطق

مخالف سوریه تمام تلاش خود را به میدان آورده و در حال استفاده از تمام ظرفیت های خود هستند. این در حالیست که بسیاری از گروه های سیاسی از نشست دوحه به شدت انتقاد کرده و آن را راه حلی خارجی برای حل بحران سوریه تلقی کرده اند.

نشست تهران

به فاصله ی چند روز بعد از نشست دوحه، نشست دیگر در فراسوی مرزهای سوریه و این بار در تهران به منظور حل بحران سوریه انجام گرفت. نشستی که در آن تهران تمامی تلاش خود را برای فراگیر ساختن تمامی گروه ها و طیف های مخالف و موافق نظام سوریه صرف نمود.

نشست تهران علاوه بر نشان دادن ابعاد بین المللی بحران سوریه و توان جبهه ی ضد عربی - غربی علیه سوریه یعنی جبهه ی موافق نظام سوریه، نشان داد که این جبهه تمام تلاش خود را برای حل مسالمت آمیز بحران سوریه مصروف می دارد و توان و ظرفیت بحران سوریه را نیز دارد. این نشست چند تفاوت با نشست های قبلی در تهران و سایر کشورهایی که با محوریت بحران سوریه بوده ؛ دارد. کارشناسان اصلی و مسئولان برگزاری این نشست معتقدند که این نشست در سه بعد شعار، دعوت شدگان



تحلیل کرد. در این کشور طرف های مختلف داخلی و خارجی حضور و نقش دارند که در تحلیلی همه جانبه باید تحولات سوریه را بررسی نمود. با توجه به آنچه که در بالا آمد به نظر می رسد سرانجام دولت سوریه مانند کشورهای که در آن بیداری اسلامی رخ داده است نخواهد شد و دولت بشار باقی خواهد ماند اما باید دقت نمود که اگر اتفاقی خاص مثل حمله خارجی و یا ترور بشار اتفاق بیافتد می تواند زمینه بازی را به نفع مخالفین دولت بشار عوض نماید، از سوی دیگر تلاش جبهه خارجی مخالفین برای فرسایشی کردن بحران سوریه راه دیگری برای فشار آوردن به بشار به منظور اخذ امتیاز در مقابل ایران و مقاومت است لذا تلاش جبهه موافق بشار خروج بحران از درگیریهای فرسایشی و حرکت به حل مسالمت آمیز مساله است.

مختلف شرکت کردند. در حالی که نشستهای دوحه، پاریس و استانبول همواره با مشکل عدم نمایندگی جامع طیفهای مختلف مواجه بود و البته یکی از دلایل شکست این نشستها عدم حضور نمایندگی طیفهای مختلف داخل سوریه است.

در تفاوت سوم باید به استقلال رای شرکتکنندگان اشاره کرد درحالی که در سایر نشستها که در کشورهای دیگر برگزار شده عمدتاً به اعتراف خود شرکتکنندگان تحت فشار میزبان و یا تحت فشار قدرتهای دیگر تصمیمهای خود را اتخاذ میکردند بدون این که نظر اعضای شرکتکننده لحاظ شود و یا در جایی که کشورهای میزبان مصلحت میدیدند نظرات خود را به گروههای شرکتکننده تحمیل میکردند. در صورتی که در نشست تهران نقش تهران فقط مدیریت نشست و تصمیمگیریها در اختیار اعضای شرکتکننده بود.

جمع بندی

تحولات سوریه را نباید در کنار سایر کشورهای منطقه که در آنان تحولات بیداری اسلامی صورت گرفته

ارتش آزاد؛ پیدایش، ساختار و امکان انتشار

همه چیز در مورد رکن مهم بحران سوریه

نیروهای خود را از سراسر دنیا فراخواند و برای جنگ در سوریه از مرزهای ترکیه، اردن و لبنان وارد خاک سوریه نمود. به این ترتیب، بحران سوریه تبدیل به جنگی تمام عیار شد. اما در این میان، جایگاه ارتش آزاد به عنوان ستون فقرات معارضین مسلح و رابط معارضین با بازیگران خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است که نیازمند بحث و بررسی در این زمینه می باشد. در این نوشتار سعی شده تا حد امکان مباحثی پیرامون نحوه پیدایش، ساختار و اماکن انتشار آن بیان گردد.

پیدایش، اهداف و ساختار تشکیلاتی

با افزایش حجم منازعات در سوریه بتدریج برخی از عناصر ارتش بصورت داوطلبانه و یا به وسیله تهدید از بدنه نیروهای مسلح جدا شدند. اولین موج جدایی از ارتش با خروج حسین هرموش و تعدادی از عناصر تحت فرمان

وی آغاز گردید. وی اقدام به تشکیل جنبش مسلحی موسوم به جنبش افسران آزاد نمود. اندکی بعد، سرهنگ «ریاض الاسد» نیز از ارتش جدا شد و در تاریخ ۲۹/۷/۲۰۱۱م اقدام به تشکیل «ارتش آزاد سوریه» در ترکیه نمود. وی هدف خود را دفاع از ملت سوریه در مواجهه با اقدامات مسلحانه ارتش اعلام کرد.

[۱]

توجه به این نکته ضروری است که ارتش آزاد سوریه

ارتش آزاد سوریه گروه نظامی مخالفین بشار است که به عنوان ستون فقرات معارضین است. به تازگی دولت آمریکا اعلام نموده است که در چند روز آینده بار دیگر این گروه نظامی را مجهز خواهد نمود، هدف از این اقدامات جبران عقب نشینی های اخیر ارتش آزاد است. متن زیر ضمن بازشناسی این گروه به اثر گذاری آن در بحران سوریه می پردازد.

با آغاز بحران سوریه بتدریج ماهیت متفاوت تحولات این کشور با دیگر کشورهای عربی پدیدار شد. بگونه ای که تجمعات اعتراضی مردم در اماکن عمومی جای خود را به معارضین مسلح و جنگ های چریکی داد. عده ای از عناصر ارتش به سرعت از بدنه نیروهای مسلح جدا شدند و اقدام به تشکیل «ارتش آزاد سوریه» نمودند. القاعده نیز



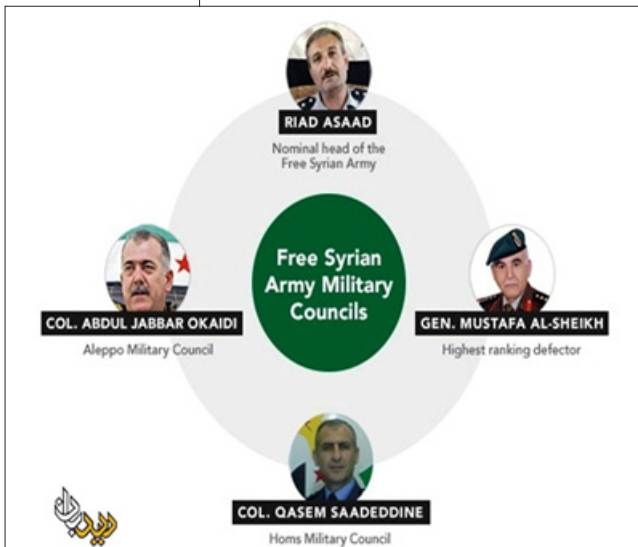
و حفظ امنیت کشور.

مرحله دوم: با انشقاق سرتیپ «مصطفی الشیخ» و تشکیل گروهی تحت عنوان «شورای عالی نظامی انقلابی» (المجلس العسكري الثوری الاعلی) در فوریه ۲۰۱۲م ارتش آزاد وارد مرحله جدیدی گردید. [۲] فرماندهان شورای نظامی در آن دوره اذعان می کردند که سرتیپ شیخ هیچ ارتباطی با ارتش آزاد ندارد، اما بندریج میان شیخ و ریاض الاسد آشتی برقرار شد و شورای عالی نظامی انقلابی به ارتش آزاد پیوست. اگرچه نباید از نظر دور داشت که آشتی میان این دو گروه در نتیجه برخی تحولات داخلی بروز نمود که از جمله آن می توان به افزایش نفوذ گردان های مسلح در داخل سوریه (وابسته به القاعده) و استقلال آنها در رهبران مستقر در ترکیه اشاره نمود. لذا شورای عالی نظامی انقلابی یا ادغام در ارتش آزاد سعی در توسعه نفوذ و افزایش هماهنگی در سطح فرماندهان خارج از سوریه و گردان های مسلح داخل سوریه نمود. [۳]

مرحله سوم: به دنبال ادامه فشارهای نظام حاکم در سوریه بر ارتش آزاد و ضعف هماهنگی و ارتباط میان عناصر معارض در داخل و خارج سوریه، تشکیلات جدیدی موسوم به «فرماندهی مشترک ارتش آزاد» (القيادة المشتركة للجيش الحر) در مارس ۲۰۱۲م در داخل سوریه اعلام موجودیت نمود که وظیفه آن ایجاد هماهنگی میان معارضین مسلح داخلی با فرماندهی ارتش

از آغاز تاسیس تا کنون طی مراحل متعددی توسعه یافته و تشکیلات ساختاری آن شکل گرفته است که به شرح زیر می باشد:

مرحله اول: این مرحله با تشکیل «شورای نظامی موقت» به مثابه ساختار تشکیلاتی ارتش آزاد در نوامبر ۲۰۱۱م آغاز شد. این شورا در بیانیه آغازین خود سرهنگ ریاض الاسد را به عنوان رئیس شورا معرفی نمود. علاوه بر این، اسامی هشت نفر دیگر از اعضای شورا به اضافه بخش هایی از ساختار تشکیلاتی ارتش آزاد در این بیانیه منتشر گردید. بیانیه مذکور همچنین در بردارنده اهداف شورای نظامی بود که بصورت کلی عبارت بود از تعیین کیفیت ماموریت های ارتش آزاد سوریه در مسائلی همچون اسقاط نظام، حمایت از شهروندان سوریه، محافظت از دارایی های عمومی و خصوصی، جلوگیری از هرج و مرج بعد از سقوط نظام حاکم و در نهایت فعالیت در حوزه نظامی



توزیع تسلیحات و منابع مالی در میان عناصر مسلح، ایجاد هماهنگی در میان فرماندهان میدانی و عناصر مسلح و در نهایت برطرف ساختن اشکالات ساختاری موجود در بدنه ارتش آزاد را بر عهده دارد، معرفی می نماید. [۷] لازم به ذکر است که حامیان خارجی معارضین مسلح این شورا را نماینده رسمی معارضه دانسته و کمک های مالی و تسلیحاتی را از طریق این شورا به معارضین سوری انتقال می دهند.

دولت های حامی ارتش آزاد

برخی از دولت ها محور اصلی حمایت از معارضین مسلح به ویژه ارتش آزاد در سوریه هستند که از جمله آنها می توان به ترکیه، عربستان سعودی و قطر اشاره کرد. در این میان، ترکیه به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و همجواری با سوریه مهمترین نقش را در حمایت از معارضین مسلح بر عهده دارد؛ بگونه ای که اغلب شوراهای نظامی تشکیل شده طی دو سال گذشته در داخل خاک سوریه حضور دارند. این وضعیت با سیطره معارضین مسلح بر مناطق مرزی همجوار ترکیه از شدت بیشتری برخوردار گردید. زیرا مرزهای ترکیه به معبر اصلی انتقال تسلیحات و کمک های مالی و انسانی به معارضین مسلح در داخل سوریه تبدیل گردید. اخیراً نیز نخست وزیر ترکیه به این مسئله اذعان کرده و بیان داشت: «کمک-های ترکیه متمرکز بر کمک های لجستیکی بوده و همچنان ادامه خواهد داشت». [۸]

قطر دیگر حامی اصلی معارضین مسلح سوریه محسوب می گردد. در این راستا، روزنامه «فاینشال تایمز» قطر را یکی از بزرگترین حامیان مالی معارضین معرفی می کند که طی دو سال گذشته بالغ بر ۳ میلیارد دلار به شاخه سیاسی معارضین کمک مالی کرده و ضمن حمایت از

آزادی سوریه در خارج از کشور می باشد. در حال حاضر این رهبری مشترک در شهرهای حمص، حماه، ادلب، دمشق و دیرالزور فعالیت دارد. [۴]

مرحله چهارم: در این مرحله که با تأسیس «فرماندهی مشترک شوراهای نظامی انقلابی» (القيادة المشتركة للمجالس العسكرية الثورية) در سپتامبر ۲۰۱۲م آغاز گردید، چارچوب وسیع تری برای هماهنگی میان عناصر ارتش آزاد فراهم گردید. [۵] این تشکیلات جدید دارای سه سطح اصلی است متشکل از فرماندهی کل، دفتر هماهنگی و ارتباطات و شوراهای نظامی استان ها است که در شکل زیر به تفکیک ترسیم شده است.

مرحله پنجم: همزمان با تأسیس «شورای عالی فرماندهی نظامی» (مجلس القيادة العسكرية العليا) در دسامبر ۲۰۱۲م آخرین مرحله توسعه ساختار تشکیلاتی ارتش آزاد آغاز گردید. [۶] این شورا که برآیند گفتگوهای متعدد فرماندهان شورای نظامی و انقلابی با فرماندهان تیپ ها و گردان های منتسب به القاعده بود، در نهایت منجر به انتخاب ۲۶۱ نماینده تحت عنوان «کمیته نیروهای انقلابی» (هیئه القوى الثورية) گردید که بعدها با انتخاب ۳۰ از آنها به عنوان نماینده پنج جبهه فعال (شمال، غرب، مرکز، جنوب و شرق) شورای عالی فرماندهی نظامی بصورت رسمی اعلام موجودیت نمود. در حال حاضر، سرتیپ «سلیم ادریس» فرماندهی این شورا را بر عهده دارد. لازم به ذکر است که هر یک از مناطق پنجگانه فوق دارای بخش هایی همچون معاونت عملیات، معاونت اطلاعات، معاونت امداد و تجهیز، معاونت اداری-مالی و معاونت عدالت انتقالی هستند.

در این مرحله، شورای عالی فرماندهی نظامی خود را به عنوان بالاترین مقام نظامی سوریه که مسئولیت تدوین سیاست های نظامی برای سرنگونی نظام حاکم در سوریه،

مادی و معنوی از ارتش آزاد در جهاد با نظام بشار اسد نمود. [۱۱] همچنین، رسانه ها از پرداخت حقوق عناصر مسلح توسط سازمان اطلاعات عربستان [۱۲] و نیز اعطای ۳۵ تن اسلحه سبک به معارضین سوری پرده برداشتند. [۱۳]

در نهایت دولت

آمریکا یکی از مهم ترین حامیان معارضین سوری است که نظراتش همواره از جایگاه برجسته ای در بحران سوریه برخوردار بوده است. ایالات متحده به دلایل بسیاری در بحران سوریه وارد شده و از آغاز بحران تا کنون قائل به مسلح نمودن معارضین بوده است. البته، اجرائی نمودن این دیدگاه دارای فراز و نشیب هایی نیز بوده است. به عنوان مثال، دولت آمریکا پس از تصویب لایحه مسلح نمودن معارضین در کمیته روابط خارجی مجلس سنا (با ۱۵ رای در مقابل ۳ رای) در ماه می ۲۰۱۳م اجازه مسلح نمودن گروه های معینی از معارضه را تحت شرایط خاص همچون التزام به مباحث حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و استفاده از سلاح های شیمیایی دریافت نمود. [۱۴]

به منظور تبیین بهتر حمایت بازیگران خارجی از معارضین مسلح سوریه می توان به بخشی از اعترافات «محمد مهند الاسطوانی» (مسئول فرماندهی نظامی دمشق و حومه) در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سوریه، استناد ورزید:

دکتر «عماد الدین رشید» از اعضای اخوان المسلمین سوریه که مقیم استانبول است، با من تماس گرفت



پناهندگان سوری کمک های شایانی به معارضین مسلح سوری نیز ارائه کرده است. [۹] همچنین دولت قطر به وسیله برگزاری کنفرانس های دوستان سوریه سعی در افزایش نقش خود در بحران سوریه نموده است. شاید بتوان مهمترین کنفرانس دوحه را کنفرانس نوامبر ۲۰۱۲م دانست که طی آن «ائتلاف ملی نیروهای انقلاب و معارضین سوریه» به عنوان ابزاری برای تجمع و هماهنگی نیروهای معارض تاسیس گردید. این در حالی بود که بیانیه پایانی آن نیز بر ضرورت اقدام هماهنگ، حمایت از شوراهای نظامی، تشکیلات، گردانها و همه مجموعه های نظامی انقلابی و همچنین تاسیس فرماندهی ارشد نظامی برای هدایت همه جریان های مسلح تاکید داشت. [۱۰]

عربستان سعودی نیز از آغاز بحران سوریه نقش حمایت گرانه خود را برای معارضین سوریه حفظ کرده و در همه مراحل به ویژه با ورود حزب الله به معادله سوریه سعی در اعطای مشروعیت دینی و سیاسی به معارضین مسلح و غیر مسلح نموده است. به عنوان مثال، شیخ عبدالعزیز آل شیخ در مارس ۲۰۱۲م اقدام به صدور فتاوی و جوب حمایت

او مردی ۳۰ ساله بود که مسئول پرونده سوریه در سازمان اطلاعات عربستان بود. پس از مدتی «سرهنگ احمد نامی» فرمانده نظامی جیش الحر در منطقه درعا و جنوب وارد شد. تعجب کردم. دقیقی بعد سرهنگ «خالد الحبوس» فرمانده جیش الحر در دمشق و حومه نیز وارد شد. شاهزاده سعودی از اوضاع سوریه

گفت و انگار همه منتظر شنیدن موعظه های او بودند. او گفت: «مقامات سعودی تمام قد به حمایت از معارضه سوریه به پاخاسته اند. لذا باید با هم ائتلاف کنیم. برای این منظور بصورت پیش پرداخت ۲ میلیون دلار به شما می دهیم تا مهمات خریداری کنید. مقداری سلاح نیز خودمان برایتان تامین میکنیم.» نماینده آمریکا نیز گفت: «رئیس جمهور آمریکا توصیه کرده که شما را به انواع سلاح های پیشرفته مجهز کنیم.» پیرمرد اردنی نیز ۵۰۰ هزار فشنگ را تامین کرد و گفتند که این فقط برای دمشق و حومه است و شما به باقی کار نداشته باشید. آنها در مورد حلب نیز صحبت کردند و من متوجه شدم که برای حلب نیز که هنوز آرام بود، برنامه دارند. در نهایت من ۹۰۰ هزار دلار و دو فرمانده جیش الحر نیز هر یک ۵۵۰ هزار دلار دریافت کردیم. امیر سلمان نیز به هر نفر ۵۰ هزار دلار هدیه شخصی داد. اگرچه مبلغی که به ما داده شد، هیچ یک صرف



و گفت باید فردا شما و تعدادی از دوستان را در اردن زیارت کنم. فردا ساعت ۱۱ صبح موعد ملاقات ما بود. من وارد اردن شدم و فردی از سازمان اطلاعات اردن در فرودگاه منتظر من بود. سوار ماشین شدم و به همراه او به منطقه ای بیرون از شهر رفتم که متوجه شدم مقر سازمان اطلاعات اردن است. با چشمان بسته وارد محوطه سازمان شدم و در اتاقی منتظر شدم. بعد از مدتی دکتر عماد الدین رشید، یک آمریکایی به نام «مایکل» و یک اردنی به نام «عمرو» که از سازمان سیا بودند وارد شدند و مایکل به من گفت: «ما آماده هر گونه همکاری با شما هستیم، اما باید توجه داشته باشید که پنتاگون خواستار هماهنگی و اتحاد معارضین سوریه است.» بعد از این دیدار وارد اتاق دیگری شدیم که تقریباً ۴۰ نفر از اردن، عربستان، قطر، ترکیه و آمریکا بر سر میزی بزرگ حضور داشتند. پیرمردی اردنی (در حدود ۸۰ ساله) که تا کنون او را ندیده بودم به من خوش آمد گفت. همه منتظر یک شاهزاده سعودی به نام امیر «سلمان بن سلطان» بودند که با تاخیر به جلسه رسید.

را تصمیم گیرنده اصلی مسائل سوریه معرفی کرد.

۲. رقابت میان فرماندهان ارتش آزاد و بروز انشقاقات درونی که منجر به خروج برخی فرماندهان و تاسیس ساختارهای موازی می گردد. همانگونه که سر تیپ مصطفی الشیخ در دسامبر ۲۰۱۲م اقدام به تاسیس شورای عالی نظامی انقلابی نمود و بحران های بسیاری را برای ارتش آزاد ایجاد کرد که در نهایت به



آشتی و ادغام در بدنه ارتش آزاد این مشکلات برطرف گردید. اما باید توجه داشت که همچنان زمینه این رقابت ها و انشقاقات وجود دارد.

۳. توسعه نفوذ گردان های نظامی اسلام گرا و سلفی و افزایش اختلافات آنها با شورای نظامی ارتش آزاد. زیرا ارتش آزاد تاکید دارد که به دلیل برخی ملاحظات بین المللی همچون دادن اعتماد به متحدان غربی ماهیت سکولار خود را حفظ کند. این در حالی است که عناصر مسلح اسلام گرا به وضوح ارتباط خود با القاعده را اعلام کرده و اهداف خود را از جهاد در سوریه برپایی حکومت اسلامی در این کشور بیان می دارند. از این رو، روابط ارتش آزاد و گردان های اسلامی دچار نوعی بی اعتمادی است. این وضعیت به ویژه در مناطقی که اسلام گرایان در آن نفوذ دارند همچون حمص (گردان های الفاروق) و ادلب (گردان های صقور الشام) در آن حضور دارند، از شدت بیشتری برخوردار است. زیرا در مورد چگونگی اداره کشور و تقدم عدالت اجتماعی با برپایی دادگاه های

خرید تسلیحات نشد و همه را برای خود هزینه کردیم و منتظر کمک های غیرنقدی دوستان ماندیم. پس از مدتی تعدادی خمپاره ۱۲۰ آمریکایی در اختیار ما قرار گرفت و ما ۱۰ نفر از افسران خود را برای آموزش به اردن اعزام کردیم.

ارتش آزاد و چالش های پیش رو

با نگاهی دقیق به نحوه عملکرد ارتش آزاد می توان به این نتیجه رسید که این مجموعه با چالش های متعددی دست به گریبان است که مهم ترین عوامل ضعف و ناکارآمدی آن تا کنون به شمار می آیند. این عوامل به صورت مختصر به شرح زیر می-باشند:

۱. شکاف میان فرماندهان ارتش آزاد در ترکیه و فرماندهان میدانی آن در داخل سوریه که ناشی از اختلاف دیدگاه آنها در قبال تحولات سیاسی این کشور می باشد. به عنوان مثال، این اختلافات در طرح کوفی عنان به حدی بود که در مارس ۲۰۱۲م سرهنگ «قاسم سعد الدین» سخنگوی فرماندهی ارتش آزاد در داخل سوریه فرماندهی میدانی



پی‌نوشت‌ها:

[۱] پایگاه الکترونیکی ارتش آزاد سوریه:
<http://www.free-syrian-army.com/ar>

[۲] روزنامه الشرق الأوسط، «العمید المنشق مصطفى الشیخ یعلن تشکیل المجلس العسکری الثوری لتحریر سوریا»، ۲۰۱۲/۲/۷.

[۳] روزنامه المصری الیوم، «إعلان تشکیل المجلس العسکری الثوری الأعلى لتحریر سوریا من الأسد»، ۲۰۱۲/۲/۶.

شرعی و غیره اختلاف نظرهای متعددی میان این دو گروه وجود دارد.

۴. حمایت خارجی و رقابت میان قطر و عربستان سعودی در مورد پرونده سوریه؛ زیرا هر یک از بازیگران نامبرده به جناحی خاص در داخل ارتش آزاد گرایش داشته و حمایت مالی خود را معطوف به آن می‌کند. این مسئله به نوبه خود باعث بروز رقابت و انشقاقات در ارتش آزاد می‌گردد. در این راستا، می‌توان به انشقاق سرتیپ حسن کلیه فرمانده شورای نظامی ساحل اشاره نمود که دارای گرایش به عربستان سعودی بود.

[١٠] پایگاه الکترونیکی ائتلاف ملی نیروهای انقلاب و معارضین سوریه، «نص اتفاق الدوحة حول نتائج اجتماع المعارضة السورية»، ٢٠١٢/١١/١٣.

[١١] پایگاه الکترونیکی مفكرة الإسلام، «مفتی السعودیة: دعم الجيش السوری الحر واجب»، ٢٠١٢/٣/١٦.

[١٢] پایگاه الکترونیکی بی بی سی (عربی)، «الغاردیان: السعودیة تدفع رواتب عناصر الجيش السوری الحر»، ٢٠١٢/٦/٢٣.

[Http://www.bbc.co.uk/arabic/inthepress_120622/06/2012/inthepress_inthepress_shtml](http://www.bbc.co.uk/arabic/inthepress_120622/06/2012/inthepress_inthepress_shtml)

[١٣] پایگاه الکترونیکی المیادین، «السعودیة تمد الجيش الحربی ٣٥ طناً من الأسلحة»، ٢٠١٣/٥/٢٢.

[١٤] روزنامه الحیاء چاپ لندن، «لجنة الكونجرس توافق على تسليح المعارضة وإدريس مستعد لزيارة موسكو مع وفد عسكري»، ٢٠١٣/٥/٢٣.

[٤] مركز الشرق العربي، «الإعلان عن تشكيل القيادة المشتركة للمجالس العسكرية الثورية في سوريا»، ٢٠١٢/١٠/١.

[٥] روزنامه الشرق الأوسط، «ترحيب بإعلان تشكيل القيادة المشتركة للمجالس العسكرية الثورية»، ٢٠١٢/٩/٣٠.

[٦] پایگاه الکترونیکی مصرس، تشكيل مجلس القيادة العليا للجيش السوری الحر، ٢٠١٢/١٢/٩.

<http://www.masrees.com/174696/almesryoon>

[٧] مركز كارنگي، «بيان حول تشكيل مجلس القيادة العسكرية العليا»، ٢٠١٢/١٢/٢١.

[٨] أردوغان: المساعدات التركية للمعارضة السورية تتركز على الدعم اللوجستي»، ٢٠١٣/٥/٢٢.

[٩] روزنامه الحیاء چاپ لندن، «فايننشال تايمز: قطر أنفقت ٣ بلايين خلال سنتين لدعم المعارضة السورية»، ٢٠١٣/٥/١٧.

www.Didban.ir

www.Didban.ir

www.Didban.ir

www.Didban.ir

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی